

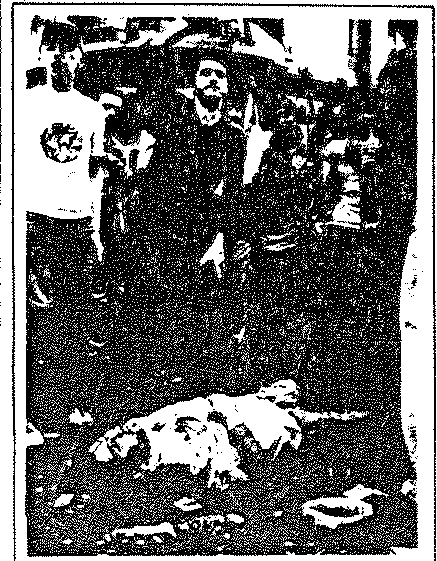
یورش گسترده حزب جمهوری اسلامی، و مبارزات توده‌ها

در هفته گذشته تا هدیورش همه جانبه حزب جمهوری اسلامی جهت قبضه تمامی اهرمهای قدرت بودیم. تضادهای دو جناح با سرعتی شگفت آور به اوج خود رسید و نطق آیت الله خمینی نقطه پایانی بر مرحله رشد آرام آن نهاد.

نطق خمینی که در آن به صراحت بی‌مدر مورد حمله قرار گرفته بود به مناسبه "فتوای" جهت یورش نهایی حزب به مواضع لیبرالها محسوب گشت. و در پی آن حملات او جگیرنده حزب جمهوری اسلامی به توقیف نشریات لیبرالها، غیرفانوی اعلام شدن دفترها هنگی، لایحه حذف نظر رئیس جمهور در مورد مصوبات مجلس (لایحه ای که بی‌مدر را مجبور میکند در مورد مصوبات عادی در عرض ۵ روز در مورد مصوبات فوری در عرض ۴۸ ساعت آنرا امضاء کند) و در نهایت عزل بنی صدر از فرماندهی کل قوا منجر شد. با بد نظر داشت که تعرضات وسیع حزب جهت اشغال تمامی مواضع قدرت و بدست گیری یکپارچه حاکمیت در عین حال که بشکلی بلاواسطه کناره‌ها دن - لیبرالها را مورد نظر دارد، اما مقدمه ای است جهت تشدید یورش یکپارچه و سرکوب وسیع جنبش خلق و در رأس آن نیروهای مترقی.

بقیه در صفحه ۱۷

تظاهرات گسترده و خشونت بار در تهران علیه سرکوب و اختناق



میدان امام خمینی سه شنبه ۱۹ خرداد ۱۳۶۰
حسب بخون غشته شده، متزبیرون افتاده
از کاسه سرو فریاد و نفرت مردم.
آیا تقاضای با صحنه‌های دوران مپام
جوشیده بوده در مقابل رژیم پادشاهی؟
بقیه در صفحه ۱۹

سرمقاله

دوجنبه نتایج تحولات اخیر

تحول اوضاع میانان سرعتی کسبه استظارش می‌رفت بحران درونی همیشه حاکمه را به نقطه ای بسیار حساس واژ - جها تی قطعی، سوق داده است. حزب جمهوری اسلامی که از مدت‌ها پیش بمنظور تحقق استراتژی خود سیاست پرد لیبرالها از حاکمیت و قبضه تمامی مواضع اصلی قدرت دولتی در دستگاه بوزوگرا تیک - نظامی موجود را در پیش گرفته بود طبق یک برنامه حساب شده بی‌مدر را از - بقیه در صفحه ۲

"میزان" نه رأی مزدم بلکه رأی آیت الله خمینی است!!

صفحه ۳

باند‌های سیاه

رژیم

جمهوری اسلامی

صفحه ۱۳

فوق العاده

خبری منتشر می‌شود

در این شماره

● جنبش کارگری

● جنبش جهانی

● از میان نامه‌های کارگران

● آیا فقط امپراتور نظام جاسوس بود؟

● جاودان باد خاطره رفیق چه‌توارا

نابود باد امپریالیسم جهانی بسرگردگی امپریالیسم آمریکا وپایگاه داخلیش



دوجنبه نتایج تحولات اخیر

صفحه ۱ - صفحه ۱

مرمادهای کل فواعزل و مراکزمالی و - ووروکراتیکی که هنوزدر دست طرفداران بنی مدرسد. - جنگ آورد، اینکه با طی جنسروا بنده بنی مدارزیاست جمهوری بنیز عرل خواهد شد، با اینکه چندساعتی دیگر در این مقام باقی خواهد ماند، نمیتواند نقش تعیین کننده ای در معادلات مربوط به توارن نیروها در قدرت دولتی ایفا کند. آنچه که از تحولات یک هفته گذشته در خورسروسی است و از اهمیت ویژه ای بر - خورداراست، نتیجه است که اقدامات کنونی حزب جمهوری اسلامی در صدد بنی نیروها و ذهنیت توده ها پدید آورده است و هدفی است که حزب جمهوری اسلامی دنبال می کند.

چنین بنظر می رسد که اقدامات اخیر حزب جمهوری اسلامی خود ویژگی لحظه کنونی جامعه ما را بر مرحله جدید و تعیین کننده ای سوق داده است. حزب جمهوری اسلامی اکنون تلاش نهائی خود را برای حل تضادهای - درونی حاکمیت سازمان می بخشد و بر برای یورش نهائی با انقلاب آماده می شود. تا کنون یکی از نقاط ضعف مد انقلاب حاکم در مقابل با انقلاب شمت و پراکنندگی تضادها و کشمکشهای درونی آن بود، امری که بحران حکومتی را بعدا علا شدت بخشیده بود و قدرت تصمیم گیری و احو و مقابله - متمرکز را از آن سلب کرده بود.

اما اینکه حزب جمهوری اسلامی با تلاش در جهت حل قطعی تضادهای درونی هیئت حاکمه می کوشد تا با سیاستی یکپارچه ارگانهای متمرکز سرکوب و تمامی دستگاه بوروکراتیک نظامی موجود را در خدمت اهداف خد انقلابی خود قرار دهد. آنگونه که از سواهدا م - سر یود است این سیاست متمرکز در جهت سرکوب توده ها مورد تأکید امیرالیسم آمریکا و سران مزدور ارتش نیز قرار دارد. گرچه بنی مدر از نفوذ قابل ملاحظه ای در ارتش برخوردار است و در اساس هما ناسیاستی است. سیستم سرمایه داری و ماشین بوروکراتیک نظامی موجود را دنبال می کند، اما سیاستهای با اصطلاح "لیبرال منشا نه" و نمیتوانست در این دوران بحرانی کار ساز حل مسائل باشد. اینک سیاستهای با اصطلاح لیبرالی از دیدگاه امیرالیسم بورژوازی نمیتواند با سخگوی مقابله با بحران اقتصادی و سیاسی موجود باشد. از همین رو است که اقدامات سرکوبگرانه حزب موردا استقبال سران ارتش و امیرالیسم آمریکا قرار می گیرد. هنگامیکه هفته پیش ژنرالهای - ارتش ایران بر محنه تلویزیون ظاهر شدند، این بدان معنا بود که اینک آنها نیز بعنوان یک پای قدرت و مجریان "نظم" از این پس در صحنه ظاهر خواهند شد. آنها خرسندی خویش را از تحولات نوین

در عرصه سیاسی ایران بنما - کشند، نمایش سران ارتش نشان می داد که ارتش پس از ضرباتی که در اثر قیام - توده ها محمل شد، اکنون انجام درونی خود را با زبانه است. گرچه هنوز نمیتوان گفت که علت حوسبایی موجود، این همان ارتش مطلوب آنهاست. اما تا بدان حد مسخمو مورد تأکید سران ارتش است که آنها در امر برقراری "نظم" منتظر دستورات است. فدا انقلاب حاکم دریا زسازی ارتش همان مسیری را طی کرده که تا کنون طوسی تاریخ تجربه شده است. هنگامیکه ارتشهای مدخلی سرختر با انقلابی بوده ها محمل ارم کشمکش می شوند، طبقات -

حاکم و ارتجاعی نخستین رسالت خود را با زسازی ارتش و احیاء حیثیت بر باد رفته آن قرار میدهند. از همین رو است که پس از قیام دیدیم که چگونه صدامتلاب - کوشید با درگیر کردن ارتش در نبردهای پراکنده نخستین گامهای عملی را در زمینه با زسازی آن بردارد و انسجام درونیش را بدان بازگرداند، اما آنچه که بیش از همه به با زسازی و اعاده حیثیت بر باد رفته ارتش مدد رسانده هما تا جنگ ایران و عراق بود. از یکسو ارتش در این جنگ به طور کامل با زسازی شد و از سوی دیگر با بر انگیزته شدن احساسات شونیستی توده ها حیثیت و اعتبار مجددی کسب نمود. هیئت نیست که فرماندهان ارتش در نما نیست تلویزیونی خود اینهمه از محسناات جنگ در با زسازی ارتش سخن گفتند، اکنون - ارتش آمادگی لازم را برای سرکوب توده ها با زبانه است و چنین بنظر می رسد که حزب جمهوری اسلامی تلاش می کند، ابتدا بر عمل راد دست گرفته و هر چه زود تر با عراق طح کند و ارتش را بسوی سرکوب همه جا نیسه توده ها و در وهله نخست علیه خلق قهرمان کرد سوق دهد، و سپس بر نما همه جا نیسه خود را برای سرکوب سازمانهای انقلابی و توده های سراسری ایران پیش برد.

این یک جنبه نتایج تحولات اخیر در ارزیابی سیاستهای حزب جمهوری اسلامی است، اما جنبه دیگر تحولات موجود در نما بنی توده ها، گسترش تلاشهای لیبرال ها در خارج از حاکمیت و شکست توهم، امکان تغییر از بالا در نما انبوهی از توده ها بود. در این مسئله جای هیچگونه تردیدی نیست که فشارهای روز افزون اقتصادی - توده ها همراه با سرکوب لحام گسیخته حزب جمهوری اسلامی بیش از پیش بر نما بنی توده های مردم افزوده و مدام خواهد افزود. اما آنچه که تنها طی یک هفته در میهن ما گذشت آنچنان تا شیری بردهنیت توده ها و فروریختن توهماات آنها در مورد امکان تغییر از بالا دیده آ و در که در مدتی بدین کوتاهی باقی بماند. بر اساسی هیچ چیز آموزنده تر از درسهای عملی نیست که توده ها در سطح یک مبارزه - در تجربیات روزمره خود کسب می کنند. حیرت آور است وقتی که انسان می بیند که در مدتی بدین کوتاهی اینچنین ایمان خرافی در خوش باوری و توهم توده ها نسبت به بنی مدر و امکان تغییر از بالا بنسب اویسم غت در هم می شکنند. گرچه هنوز بخشهایی از توده ها، یعنی عقب مانده ترین بخش آن، با این خرافاتی خمینی را از دست نداده اند، اما وقایع اخیر از جهت بر ذهنیت توده ها نسبت به امکان تغییر از بالا ضربه وارد آورد. از یکسو نیروها کسی که نسبت به بنی مدر سمیاتی داشته طی یک هفته بنی مدر و اقمی را در کوران یک مبارزه سخت تجربه کردند. جین و بزدلی او را - بعینه دیدند. توده ها در روزهای نخستین در انتظار وراکششی سریع و قاطع از سوی بنی مدر بودند، اما بنی مدر نتوانست و نمسی توانست به این انتظار توده ها پاسخ گوید. از سوی دیگر موضع کنیری خمینی نسبت به بنی مدر و هندا را به توده ها بیش از پیش ما هیئت کل هیئت حاکمه را افشا کرد. هم اینکه خمینی خود را در صحنه شدم ما هیئت واقعی خود را عریان کرد و بسیار رسوا برای توده ها آموزنده بود. اکنون بخش عظیمی از توده ها علس نم نما را بنی و نفرت خود از رژیم جمهوری اسلامی و بی اعتقادیت نسبت به امکان تغییر از بالا در بنی و شنیستند که با توجه به تجربه بیش از سه سال مساره آشکار آنها و حضور نما نشان در صحنه سیاسی ما را عمدا دکنند و رهبریش را سید برسد.

لیبرالها بر نما مه های وسیعی را اندرک دیده اند تا خود را بعنوان آلترنا نیسو قدرت بنده ها معرفی کنند. اما باید در نظر داشت که توده ها گرچه تجربیات خود را آرام آرام جذب و هضم می کنند، اما با جذب هر تجربه ای هیچگاه از افرا اموش نمی کنند و در عمل بکار می بندند. لیبرالها دیگر با توجه با وقایع سیاسی موجود و تجربیات توده ها - نهایتا نمیتوانند آلترنا نیسو قدرت باشند، اینجاست که نقش نیروهای انقلابی بویژه کنی گبرتری - آنها در واقع بحرانی کنونی خود را نشان می دهد. از یکسو اوضاع بحرانی موجود، ناراضایی روز افزون توده ها، اعتلا - مبارزات آنها و ضرورت ایجاد یک قطب انقلابی که بتواند اعما توده ها را کسب کند و از سوی دیگر ورشهای بی دربی ضد انقلابی و ظالی عظیم و تاریخی را در برابر نیروهای انقلابی قرار داده است. با بدبا تمام نیروها مکانات با بقا بله با شرایط کنونی و با سخگوشی با ن برخاست، اکنون نه تنها با بقا لانه در مبارزات خسود انگیزته توده ها علیه حاکمیت شرکتی است بلکه آنها را با بقا بله با سیاستهای فدا انقلابی و ارتجاعی حاکمیت فرا خواند تحقق و موفقیت این امر هما نگونه که ما مکرر بر آن تاکید کرده ایم مستلزم ایجاد یک بلوک انقلابی است. اگر امریز نیروهای انقلابی گامهای عملی وجودی در این زمینه بردارند، اگر نتوانند توده های ناراضی و سرگردان را بسیج کنند، اگر آنها اقدامات عملی در جهت تسریع پروسه رشد هر چه گسترده تر مبارزات خود انگیزته توده ها، انجام ندهند. فردا دیر خواهد بود و نه این با آن سازمان بلکه همه نیروهای انقلابی در برابر تاریخ توده های مردم - مسئولند. اما ضرورت اتحاد - همه سازمانهای انقلابی و مترقی قبل از هر چیز محتاج یک سیاست، و هدف مشخص است که بدون آن این اتحاد در لحظه کنونی نمیتواند صورت پذیرد. بنا بر این، این وظیفه همه نیروهای انقلابیست که در جهت ارائه یک پلاتفرم که بتواند نیروها و انقلابی و مترقی را طی یک مرحله در جهت نائل آمدن به هدف معینی متحد کند، گام بردارد. ما بسهم خود تلاش خود را در این زمینه بکار گرفته ایم، و در اولین فرصت شما را لحظه کنونی و تا کنیک خود را ارائه خواهیم داد. اما تا هنگامیکه سازمان شعار لحظه کنونی، تا کنیک و پلاتفرم خود را ارائه ندهد هواداران سازمان نباید منتظر بمانند. ما بنی در مبارزات توده های مردم - بویژه مبارزات خیابانی، فعلا لانه شرکت کرد. هواداران سازمان باید یکوشند ضمن شرکت همه جا نیسه در مبارزات خود بخودی - توده ها سطح مبارزه و شعرا را ارتقا دهند: رفقای هوادار باید در حاکمیت که تیز حملاتشان متوجه حزب جمهوری اسلامیست بتر شما رهائی علیه اختناق و سرکوب و به دفاع از آزادیهای سیاسی و حقوق دموکراتیک توده ها بپردازند، شعرا رهائی در پیرامون تداوم انقلاب طرح کنند و نمونه های این شعرا را تا کنون در نشریه کارپورا همیما نیهای سازمان ارائه شده است. علاوه بر این به علت شرایط بحرانی موجود هواداران - سازمان باید با بدبا بتکا رخود در هسته های چند نفره که قدرت تحریک لازم را داشته باشد، مشکل شوند. ره نمودار خود را از نشریه کارپورا اعلامیه ها می سازمان... بگنیدند و با همرا مکاتی که در اختیار دارند تراکتها، اعلامیه ها و نشریات سازمان را تکثیر و توزیع کنند.

آیا فقط امیر انتظام جاسوس بود؟

با اواخر پس از ۱۵ ماه از دستگیری - امیر انتظام مویس از دو ماه تشکیل جلسات متعدد محاکمه و بیش از دو هفته شور و مشورت امیر انتظام به حبس ابد محکوم شد. از آنجا که در این دادگاه گوشه‌هایی از حقایق پشت پرده نمایان شد و بیش از پیش ما هیئت سردمداران رژیم جمهوری اسلامی آشکار گردید، لازم دیدیم به نکاتی چند از جریان محاکمه اشاره کنیم.

توسلی شهردار ریپشتین تهران که بعنوان شاهد در دادگاه امیر انتظام - حضور یافت، در دفاع از وی سخنانی ایراد کرد که عمق نسی اعتقادی حکومت جمهوری اسلامی و سرانشر را به توده‌ها نشان می‌دهد و بیش از پیش ما هیئت هر دو جناح حزب جمهوری اسلامی و لیبرالها را بتنا پیش می‌گذارد. او میگوید: "... اصل ارتباط (منظور با آمریکا و سفارت است) مورد تناشید و ضروری است حتی پیاپی هم با کفار مکه ارتباط داشتند و از دشمن کسب خبر میکردند. قبیل از پیروزی انقلاب بسیاری از شخصیتهای کنونی مملکت بر اساس همین ضرورت با مقامات سفارت آمریکا و سفارتخانه‌های دیگر ارتباط داشتند این مطلبی است که در رسانه‌های گروهی تصریح و اعلام شده، نه تنها آقای مهندس بازرگان ارتباط داشته‌اند، آقای دکتر بهشتی، آقای موسوی اردبیلی و دیگران هم ارتباط داشته‌اند...."

(میزان چهارشنبه ۱۳ خرداد و در ادامه سخنانش میگوید: "... در این دادگاه محترم شهادت میدهم که اطلاعاتی که از این افراد میگرفتیم برای برنامهریزی مبارزاتی قبل از پیروزی انقلاب بسیار مفید و موثر بود، به ما واقع بینی و چشم باز میداد. (همانجا) (الزام به تذکر است که این سخنان در شرایطی عنوان می‌شود که آقایان مرتبط با سفارت هم اکنون هریک در یکی از مهمترین و حساسترین - پستهای مملکتی مشغول به انجام وظیفه‌اند) توسلی با وقاحتی غیر قابل تصویری - گونه‌ای ردیلا نه این ارتباط را امسری ضروری و لازم برنامهریزی انقلاب گلوه میدهد. آقای توسلی به شیوه‌ای استادانه و در حالیکه سایر شرکای جرم را برمی‌شمارد اعتراف میکند که در شرایطی که توده‌ها در مقابل گلوله‌های ارتش مزدور شاه سینه سپر می‌کردند و میرفتند تا نظام منفور پهلوی را اسما "در هم ریزند، آقایان مکتبی و لیبرال هریک بگونه‌ای بر سر کسب دستا ودهای خونین توده‌ها در سفارت آمریکا جان می‌زدند و جهت بیچنگ آوردن سر - نوشت توده‌ها با ما مورین سبا مشورت - میکردند و دیدیم که حاصل این معاملات - سازش دوجناح و توقف انقلاب توده‌ها از کار برد آمد. سازمان ما درست در شرایطی که این بقدرت خریدگان زما ما مور را بدست گرفتند دست به افشای آنان زد. از جمله در کارنامه ۱۱ و ۱۳ اسنادی از معاون نخست وزیر و سخنگوی دولت موقت یعنی امیر انتظام منتشر کرد ما در آن اسناد، نسام شرکتهای متعلق به امیر انتظام از جمله شرکت آهودشت، ایران پلانینگ و سهام او را در دستوران "پارادیز" برشمردیم و به درستی متذکر شدیم که او یک سرمایه‌دار وابسته است و طبیعی بود که در جریان

قیام برای حفظ منافع مشترکش - امیر یا لیستها مرتبط با شد ما در آن - روزها که حزبون مکتبی و شرکای جرم آنان هنوز تضادهایشان حدت و شدت نیافته بود بصراحت از او دفاع برخاستند و حتی پس از آنکه اسناد مربوط به وی از سفارت آمریکا افشا شد آقای هاشمی رفسنجانی که در آن روزها در مقام سرپرستی وزارت کشور قرار داشت طی مصاحبه‌ای با روزنامه کیهان گفت: "اسنادی که راجع به امیر انتظام مویس فاش شدنشان دهنده جاسوسی ایشان نیست".

اگر امروز حزب جمهوری اسلامی بانهت یافتن بر تماشای ارگانهای قدرت و به چنگ آوردن امکانات تبلیغاتی از جمله رادیو تلویزیون و روزنامه‌ها، فرصت می‌یابد تا پس از ۱۵ ماه از دستگیری امیر انتظام با اواخر او را به محاکمه کشد و زائده - هایش از جمله مجاهدین انقلاب اسلامی را بر علیه او بموضع گیری بکشد تا مسأله واقعیست اینست که سران حزب جمهوری اسلامی بهمان میزان لیبرالها شریک جرم و مرتبط با جاسوسان آمریکا بوده‌اند. بی جهت نیست که در رای جراثم امیر انتظام "شرکت در توطئه انحلال مجلس خبرگان در مقام بله‌با ولایت فقیه" عنوان میشود چرا که اگر تکیه اصلی بر جاسوسی باشد سران حزب نیز کمترین زوی مقصر و مجرم نیستند.

اگر امیر انتظام با زر زکیو کار دادار - سفارت و نماینده سیا ارتباط داشته - آقای بهشتی با هوینز ملاقات کرده است. اما علیرغم همه برده‌بوشی‌ها مردم قهرمان ایران هم حزب جمهوری و هم لیبرالها را مقصر و مجرم می‌دانند و نگاه که خل - حق حاکمیت خویش را بر سر قرار می‌زنند تا مسی جاسوسان و سازشکاران را به محاکمه - هوا هدکشید ..

حادثه زلزله گلباف ...

با شد، جان خویش را از دست دادند و بیاید شدت مجروح و مصدم گردیدند. این حادثه در شرایطی اتفاق می‌افتد که ۲ میلیون از زحمتکشان میهنمان بدنیا ل جنگ ارتجاعی ایران و عراق هم اکنون آواره و سرگردا نند و خلق قهرمان کوردی با طسر خواستهای بر خقش در مقابل سرکوبگران - رژیم جمهوری اسلامی یعنی ارتش و پاسداران مزدور و همچنان قهرمانانه مقاومت می‌کنند و بیگاری و وگرائی و نبود مسکنس و ... و بیدار می‌کنند و اختناق و سرکوب سراسری حزب و یورش همه جا نیه‌با سداران سرمایه به حقوق دمکراتیک توده‌ها و آزادیهای سیاسی با عادی گسترده یافته است. اما علیرغم تمام فشارها، سرکوبی و تلاش رژیم برای جلوگیری از آگاهسوی زحمتکشان هوا داران سازمان که همواره بر اساس وظایف انقلابیشان عمل می‌کنند همچون گذشته موظفند ضمن کمک رسانی مستقیم به توده‌های زلزله زده، آنان را به حقوق واقعی‌شان آگاه ساخته و با طرح شعار "تشکیل شوراها" لزوم ایجاد ایمن گونه شوراها را جهت دریافت کمکهای مردم و توزیع عادلانه آن بین تمام زحمتکشان منطقه زلزله زده توضیح دهند.

«میزان» نه رأی مردم، بلکه ..

بقیه از صفحه ۱

آیت الله خمینی که تا کنون کوشیده بود خود را در چهره مدافع حقوق مضمحلین مدافع حقانیت رای توده‌ها، و پشتیبان آنها نشان دهد، همراه با بجران سیاسی اخیر مجبور شد تمام برده‌ها را بکنار بزند و ما هیئت واقعی خود را برهان به نمایش بگذارد.

آیت الله خمینی که پیش از این دهها بار خود را "خادم مردم" و تابع رای آنها معرفی کرده بود، در نطق اخیر خود نشان داد که هرگاه "رای ملت" رود روی رای - آیت الله خمینی قرار گیرد، میزان نه رای "ملت" بلکه رای آیت الله خمینی است. او که امروز بیش از همیشه خود و رژیم جمهوری اسلامی را در خطر سقوط و نابودی می‌بیند برده‌ها را بکنار می‌زند و هیچگونه باقی ندارد که فریاد میسر آورد به توده‌ها هشدار دهد، حتی اگر ۳۶ میلیون مردم در مقابل "قانون" یعنی رای هیئت حاکمه قرار گیرند، او به پنهانی بنام دفاع از جمهوری اسلامی در مقابل آراء همه مردم خواهد ایستاد.

آیت الله خمینی سال اخیر را سال قانون اعلام کرده است. و همه را بر رعایت این "قانون" فرا میخواند، بنا بر این او خود را موظف میداند که در دفاع از "قانون" جمهوری اسلامی یعنی قانونی که حافظ و حامی منافع سرما به داران، زمینداران، استشمارگران، غارتگران، انگلها و چلپا و لگران است، بپتوده‌ها هشدار دهد، و ۳۶ میلیون مردم را به مبارزه بطلبد. اما قرا موش می‌کند که اراده مردم و آراء آنها بالاتر از هر قانونی است. توده‌ها تنها قانونی را رعایت می‌کنند، و با آن احترام - می‌گذارند، که به نفع نگرمنافع آنها باشد، تنها این قانون مقدس است، نه قانونی که بیان اراده و خواستههای توده‌های مردم نیست، نه قانونی که ذره‌ای به خواسته‌های توده‌های مردم پاسخی نمی‌دهد، نه قانونی که چمقا ق مشروعیت استشمارگران و سنگران - با شد، نه قانونی که هرگونه اعتراض بر حق و قانونی توده‌ها را سرکوب کند، نه قانونی که آزادیهای سیاسی و حقوق دمکراتیک توده‌ها را از آنها سلب نماید، نه قانونی که مجوزی برای سرکوب دکه داران، سرکوب اعتماد بکارگران و کشتار روپوران کردن خانه‌های زحمتکشان باشد. خیر، بهیچوجه بیچ چنین قوانینی نمی‌تواند موردناشید و احترام توده‌ها باشد و آیت الله خمینی بهیچوجه نمی‌کوشد، توده‌ها را بر ما پست چنین قوانینی فرا خواند و آنها را تهدید کند. حتی اگر آیت الله خمینی یک درس از سرنگونی رژیم شاه می‌آموخت بخود جرات نمی‌داد که این چنین بیسی - مهابی رای خود را بر تر از رای ۳۶ - میلیون مردم قرار دهد.

اما همانگونه که توده‌ها در مبارزه - علیه رژیم شاه نشان دادند که اراده و رای آنها بالاتر از هر رای و قانون دیگریست، یکبار دیگر سبزشان خواهند داد که هیچ رایی بالاتر از رای آنها نیست.

پاسخ به سئوالات

درباره تشکیل جبهه

مدر فریق در رابطه با تشکیل جبهه
پرسیده اند چرا در شرایط کنونی که اتحاد
نیروهای انقلابی برای ارائه آلترناتیو
انقلابی ضروری منظر میرسد، سازمان درجهت
ایجاد جبهه با سایر نیروهای انقلابی حرکت
نمی کند؟

نخست بپیماییم جبهه چیست؟ جبهه اتحاد
نیروهای طبقاتی مختلف است که درگیر
مبارزه با دشمن مشترکی هستند. هر جبهه ای
بنا بر شرایط و ضروریات تشکیل خود -
دارای خصوصیات است. در جریان مبارزات
حلقه ای چند انواع و اقسام جبهه های
مختلف تشکیل شده که هر کدام با خصوصیات
ویژه ای بوده اند. مثلاً در زمان جنگ دوم
جهان در بسیاری از کشورها "جبهه واحد -
ضد فاشیستی" شکل گرفت که هدف عمده این
جبهه ها سرنگونی فاشیسم بود. در این جبهه
ها کلیه نیروها حتی که درگیر مبارزه با
فاشیسم نبودند، متحد شدند. با درجین
هنکا میکه امپریالیسم زاپین به چین حمله
کرده و آنرا اشغال نمود، جبهه واحد ضد
ژاپنی برای بیرون راندن اشغالگران -
ژاپنی تشکیل شد. در این جبهه کلیه
نیروها حتی که درگیر مبارزه با اشغالگران
ژاپنی نبودند، متحد شدند. هدف این جبهه
بیرون راندن اشغالگران ژاپنی بود.
در ویستام "جبهه ویت مینه" ایجاد گردید
که کلیه نیروهای ملی و میهن پرست را متحد
کرده بود و هدفش تحقق انقلاب دموکراتیک
وملی بود.

شما می این جبهه ها، اتحاد نیروهای
طبقاتی مختلفی بود که درگیر مبارزه با
دشمن واحد بودند. اتحادی بود حول برنامه
مشخص برای رسیدن به هدف محوری مشخص.
بنا بر این وجود دشمن مشترک و هدف
محوری مشترک دو پیش شرط تشکیل هر
نوع جبهه ای است، ولی به تنهائی کافی
نیست. نیروها حتی که دارای هدف مرحله ای
ودشمن مشترک هستند، با وجود یک
برنامه انقلابی که معمولاً "برنامه
جبهه" نامیده میشود توافق کنند. بدون -
برنامه انقلابی جبهه ای وجود نخواهد آمد.
برنامه انقلابی در حقیقت اهداف انقلابی مشترک
نیروهای شرکت کننده، در جبهه است. البته
برنامه جبهه چیزی از پیش تعیین شده -
نیست بلکه بستگی دارد اولاً به ضروریات
مادی تشکیل جبهه. ثانیاً به نیروئی
که رهبری جبهه را برعهده میگیرد. هر
نیروئی تلاش میکند برنامه مرحله ای
خود را برای تشکیل جبهه با سایر نیروها
بفولاند. البته رهبری جبهه نه در پشت
میزها بلکه در عرصه مبارزه طبقاتی -
تعیین می شود. آن نیروئی میتواند
رهبری جبهه را بدست گیرد که قادر باشد
بیشترین نیروی توده ای را بسیج، رهبری
و سازماندهی کند. سعادت دیگر نیروئی
که دارای بایگانه توده ای وسیعتر، توان
سازماندهی بیشتر و رهبری سیاسی قوی -
تری با رهبری جبهه را برعهده خواهد
گرفت یعنی امر همز مونی (با رهبری جبهه)

امری است عینی و در عرصه مبارزه
طبقاتی تعیین میگردد.
آنچه در مردم کلی ترین پیش شرط
- های تشکیل جبهه بود، روشن است که
برای تشکیل هر جبهه ای در شرایط مشخص
علاوه بر پیش شرطهای فوق، شروط دیگری
نیست. لازم است که در اینجایان مدعی -
بیردازیم حال بر کردیم به شرایط مشخص
میانمان و بسیم که آیا شرایط تشکیل
جبهه فراهم است؟

نخستین سؤال اینست که نیروهای
مختلف طبقاتی از چه سطح تشکیلی -
خوردارند؟
آیا سازمانها واحزای که اقشار و
طبقات مختلف را نمایندگی میکنند
بوجود آمده اند؟ آیا این سازمانها با
اجزای ازیستیهای طبقه ای که آنرا
نمایندگی میکنند پیوند خورده اند؟ دشمن
مشترک کدام است؟ هدف جبهه چیست؟
برنامه آن کدام است؟ نیروهای شرکت
کننده در جبهه چه نیروهای هستند؟ -
رهبری جبهه با کدام نیروست؟

هرگاه به این سئوالات یک -
پاسخ دهیم، درمی یابیم که علی رغم
ضرورت اتحاد نیروهای انقلابی هنوز
شرایط تشکیل جبهه فراهم نشده است.
هنوز نیروهای جنبش کمونیستی در
پراکنندگی کامل سر می برند، نه تنها
دمکرات های انقلابی بلکه نیروهای -
جنبش کمونیستی فاقد خط مشی و برنامه
روشن هستند. هنوز نتوانسته ایم به
اتحاد عمل با دمکرات های انقلابی جامعه
عمل بیوشانیم، چه رسیده اینکه با آنها
جبهه واحد تشکیل دهیم.

ضعف جنبش کمونیستی و پراکنندگی و
نشست حاکم بر آن و فقدان برنامه -
مهمترین موانع تشکیل جبهه است. روشن
است که در شرایط کنونی وحدت نیروهای
کمونیستی در حزب واحد طبقه کارگر ممکن
نیست و این نیروها جدا گانه نمیتوانند حول
برنامه سیاسی مشخص و درجهت راجوب مرز -
بندی ایدئولوژیک معین متحد شوند که
جنبش اتحادی صورت حزب بخود نخواهد
گرفت.

در شرایط کنونی نیروهای انقلابی
با بیدارگری "اتحاد عمل" با یکدیگر، هم
نزدیک شوند و قدم بدم موانع را از پیش
پای بردارند.
"اتحاد عمل" نیروهای انقلابی سانوجه
به سطح تکامل جنبش انقلابی، تشکیلی از
همکاری نیروهای انقلابی است که سه
مبنا: ندد در جهت تقویت جنبش انقلابی و
پشتیبانی اهداف آن صورت گیرد و در پروسه
خودیه اشکال پایدار و شرعاً لایتر همگامی
و وحدت تکامل یابد.

"اتحاد عمل" نیروهای انقلابی کامی
است در جهت ایجاد شرایط مناسب برای
تشکیل جبهه، کامی است که امروز حتماً
با بیدار شده شود، سازمان ما در این
جهت قدم بر میدارد.

رژیم جمهوری اسلامی، آب را...

بقیه از صفحه ۲۰
حراکه آب مصرفی مردم از همین شیرهای -
عمومی تا مین می شود. اهالی محل در -
اعتراض به این کار، روزها نزد هم خرداد
دست به یک راهپیمائی زده و بیطرف
استاندار و حرکت کردند. در مقابل
استانداری ضمن دادن شعارها شی نظیر
"یا مرگ یا آب" خواستار رسیدگی به این
مسئله شدند. مردم با پیشنهاد استانداری
مبنی بر فرستادن چند نماینده مخالفت
کرده و گفتند: استانداری باید در جمع مسا
حضور پیدا کند و جوابگوی مشکلات ما باشد.
آنها می گفتند: مگر این دولت شب و روز
تسلیم می کند که برای مستضعفین کار
می کند؟ پس چرا حتی آب خوردن را از ما
دریغ می کند؟
هواداران سازمان در کرمانشاه، در
رابطه با مسائل فوق اعلامیه ای داده اند
و در آن نوشته اند: "تلاش در جهت پیوند هر
چه بیشتر با زحمتکشان و ارتقاء آنگاه سی
آنان و سازماندهی مبارزات به حقیقت
را وظیفه خود مانی می بینیم. انقلابی
دانسته و مردم مبارز کرمانشاه را نباید
دعوت می کنیم که ضمن بلند کردن فریاد
و اعتراض خود علیه سیاستهای ضد خلقی و سر
کوبگرانه رژیم جمهوری اسلامی به حمایت
از زحمتکشان شایسته دبر خیزند"

۲۹ خرداد ۳۰ بقیه از صفحه ۲۰

ما نورهای تهدید کننده جنگی جهت اشغال
مناطق نفت خیز متوسل شد، و هم چنین -
بنا بر جبهه مشترک در برابر رانش از -
پیش برای همگامی با ناوگان جنگی آماده
بودند. این امر نشان داد که خلقی بیسا
خاسته میتوانند با استقامت و سازش نسا
پذیری در مقابل یکی از بزرگترین قدرت
های جهان مقاومت کنند و با آن ضربه وارد -
سازند.
اما در همین حال تجربه خلق بیسود
حوادث بعدی و توطئه های امپریالیستها
و عوامل داخلی نشان در برابر رانش ضد
خلق که به کودتای ۲۸ مرداد انجام
تسلط مجدد امپریالیسم انگلستان و
آمریکا را بر ایران بهمراه داشت نشان
داد که تنها ما را زخمی کردن کافی نیست
با بیدار ما را کوبید و آنرا نابود ساخت.
وقایع تاریخی پس از خلق بد نشان داد که
رهبری بورژوازی ملی و خرده بورژوازی -
بعلمت عدم پیگیری و قاطعیتش در مبارزه
فاندرنیست مبارزه ای سخت، بیگنر و طولانی
را به پیش برد. ضمناً نشان داد که مدعیان
دروغین رهبری طبقه کارگر هم نظیر حزب
توده و رهبران خیانتکارش که کاریکاتوری
از حزب طبقه کارگر بوده و کارگران و -
زحمتکشان میهن ما را فریبکارانه به
دنیاال خویش کشیده بودند در می بینند
چنین مبارزه ای را به پیش برده و نتیجه
هر چه باشد جز شکست نخواهد بود. تاریخ
نشان داده است که چنین مبارزه ای -
محتاج رهبری آگاه و مبارز و توانا انقلابی
است که بر چرخش نمون جنبش دموکراتیک
و ضد امپریالیستی را بدوش کشیده و تاسر
منزل پیروزی برساند. تاریخ مبارزات
طبقه ای از سده رسته جهان نشان داده است
که چنین نیروئی جز طبقه کارگر نخواهد بود

بهادنبوی: چاره‌درد توده‌ها قراردادهای امپریالیستی است!

بهادنبوی سخنگو و مغز متفکر دولت در مصالحه مطوعاتی اخیر خود در توحید سنن قرارداد نیکی با ارتش با لیبوت گفته است "بیگان با لآخره به مونا احتیاج دارد. اینها راه را از هر طرف به روی دولت بسته اند یا بیاید کارخانه ایران تا سیونال را تعطیل کنیم و این مدهزا رفتن کارگر را بیکار کنیم تا آنها را هپیمانگی کنند... و با اینکه با طرحی کارخانه را برای همیشه... (جمهوری اسلامی ۳/۱۹) و آنگونه که بروشنی از سخنان او پیدایش این طرح را انداز می‌دهد همان قرارداد لیبوت است. بخوبی روشن است که اگر عقد قرارداد تا لیبوت توسط بلندگوهای امپریالیستی و نیز رفیق داخلی مکتبیون یعنی لیبوت‌ها لیبوتی رفت اصلاً دولت بخود زحمت اینگونه توجیه را نمی‌داند و بی سروصدا قرارداد را می‌بست. آنچنانکه صدها قرارداد دیگری با این و کشورهای امپریالیستی اروپائی و آمریکا بسته شده، کوچکترین سختی از آن نرفته است اما اینک که به صورت این قرارداد امپریالیستی لورفته و برای تمام توده‌ها روشن شده که چگونه دولت مکتبی دسترنج توده‌های زحمتکش را به جیب امپریالیسم انگلیس سرازیر می‌کند، چگونه ایران اکنون سومین مشتکری انگلیس در خاور میانه است و چگونه قرارداد افسانه‌ای تا لیبوت کسسه از بزرگترین سفارشات در نوع خود است، شرکت امپریالیستی تا لیبوت را در راهی از زور شکستی با زنی می‌کند. مکتبیون اجباراً به توجیه همکاریهای خود با امپریالیسم پرداخته‌اند.

آقای بهادنبوی قصد دارد بطوری را نمود کند که دوره بیشتر موجود نیست یا تعطیلی کارخانه و در بدری و فقر و فلاکت کارگران با ادامه وابستگی به امپریالیسم و تشدید آن حتماً "از نظر آقای نبوی شاه خائن هم کار ملا" حقیق داشت که تمامی عرصه‌های اقتصادی سیاسی ایران را به امپریالیسم واگذار کرده بود زیرا در غیر این صورت و با این دلائل مجبور میشد همه کارگران را بیکار کند. اما بر هر کارگر آگاهی روشن است که آقای نبوی تا این حد هم ساده لوح نیست بلکه از این شکل طرح قضیه منظور مشخصی دارد.

بهادنبوی به این طریق قصد دارد علناً "به توجیه با زسی سیستم سرما به‌داری وابسته توسط رژیم جمهوری اسلامی برپا زد. رژیم که در ابتدا سعی داشت به نزدیکی خود به امپریالیسم و با زسی سریع سیستم ضربه خورده سرما به‌داری وابسته رنگ و لعاب مبارزه ضد امپریالیستی بزند، اینک پیش از قبیل

ابتکار کارگران و... به‌رها شکی از چنگال امپریالیسم تا ثل شود. روشن است که تنها در چنین حکومتی - که فقط در زیر رهبری همه‌ی کارگران قهرمان ایران با یجا نشود - نه تنها خطر بیگاری هیچ کارگری را تهدید نمی‌کند بلکه تمامی نیروهای آماده به کار را معه نیز در راه تولید خلق، در راه تولیدی در خدمت منافع خلق بکار گرفته می‌شود. ما به آقای نبوی و دولت مکتبی می‌گوئیم، اگر واقعاً "این کارخانه‌ها" این صنایع، معادن، کشتزارها و سایر شروتهای جامعه اینگونه برایتان درد ساز ایجاد میکنند اگر اینگونه را همان از هر طرف بسته است ما و شما می‌کارگران و زحمتکشان حاضریم در دستراتان را کم کنیم ما حاضریم اداره کنترل شما می‌کارخانه‌ها مزارع، معادن،... را به عهده بگیریم و شما سرما به‌داری را - که حاکم فقط منافعشان هستند - از این درد سرخلاف کنیم *

بقیه از صفحه ۵

کارگران نمایندند، که... با اینکه هنوز میخواهیم که با نا بودی شاه، ظلم و غارتنا بود شود، بساط ساواک و تفتیش عقاید بزداشته شود، استعمارنا بود شود و منافع کارگران و زحمتکشان هر چه بیشتر تا مینگردد؟

شیراز

کارگران پیشرو شیراز اعلامیه‌ای در باره طرح طبقه بندی مشاغل منتشر نموده‌اند در این اعلامیه پس از اشاره به فقر و ارزشیابی که به کارکنان بر اساس تخصص و کارآیی و شایستگی امتیازاتی میدادند، نوشته‌اند: "وقتی به نحوه دادن امتیازها اعتراض میشد (برای مثال اینک سخته‌سختی کار، نبودن هوا و نور در محیط کارگاه، تجربه و مهارت و...) هیچکدام در دادن امتیازها در نظر گرفته نشده بود (در جواب وعده‌های طرح طبقه بندی مشاغل رانندگی و بعد از مدت‌ها وعده و وعیدهای سرخرو من اینک دست به تهیه این طرح زده‌اند، طرحی که کارکنان هیچگونه دخالتی در تهیه آن نداشته‌اند" در ادامه به ذکر مواردی که طرح طبقه بندی مشاغل با بدشاملی می‌پردازد، که به ذکر چند مورد آن اکتفا می‌کنیم: "کمترین دستمزد تعیین شده برای رده شغلی پایین با بدترین امتیازات و حقوقی با بدترین حقوقی با بدترین حقوق محسوب شده و به با به حقوقی هر سال مورد بررسی قرار گیرد و ارتقاء باید - اجرای طرح طبقه بندی با بدترین نظارت و کنترل شورا کارکنان انجام پذیرد. قبل از تصویب طرح باید همه کارکنان در جریان طرح و ضوابط مربوط به آن قرار گیرند"

برده‌ها را کناره رزده و علناً "از وابستگی به امپریالیسم دفاع میکند. اینک سرما در آن رژیم تنها راه خروج جامعه تشدید وابستگی به امپریالیسم و نمود می‌کنند و از آن دفاع می‌نمایند. در نتیجه بودجه مبنای درآمد دولت برفروش نفت (که عمده خریداران آن کشورهای امپریالیستی اند) شده و این سیاست "تا هانه" به بهانه رفع مشکلات اقتصادی برای توده‌ها توجیه می‌شود، و رود سرسام آور کارهای مصرفی از کشورهای امپریالیستی، تمهیدات قراردادهای چون ساختن متر و قرارداد دپترو شیمی با ژاپن توسعه تولید اتومبیل‌های موتوری رنو، بیگان و... همه و همه علناً "از سوی سران رژیم مسوره دفاع قرار می‌گیرد و به عنوان راه خلاصی از گزافی و بیگاری به خورد توده‌ها داده می‌شود.

از سوی دیگر نبوی میخواهد به کارگران بنظور را نمود کند که نیروهای مترقی و انقلابی که خواهان قطع وابستگی اند و بر ضد قراردادهای استعماری چون تا لیبوت مبارزه میکنند بر ضد کارگران و خواهان بیکار شدن آنان هستند. اما کارگران نیز بر اساس تجربه دربارتخته اند که این سرما به‌داری و حاکمان آنها هستند که دشمنان آنان بوده‌اند. ما می‌شیر جانشان را به جیب گشای امپریالیسم سرازیر می‌کنند. کارگران و همکاران توده‌های خلق میدانند که چگونه کشورها می‌چون بیستام و کوبا تحت رهبری دولتی انقلابی توانستند گریبان خود را از چنگ امپریالیسم خلاص کنند و در این راه نه تنها بر بیکاران آنان افزوده نگشت بلکه کارملا "بیکاری نیز از جا معریشه کن گشت.

با پیدا ز آقای نبوی پرسید رژیم جمهوری اسلامی در پیش از دو سال حکومت خود بجز شعاع رضا امپریالیستی چه حرکتی در جهت قطع وابستگی انجام داده است، چه بر نامه اقتصادی را علیه امپریالیسم به پیش برده است. رژیم که قصد بازسازی سرما به‌داری را داشته‌اند. رژیم که حامی منافع سرما به‌داری باشد مسلماً راهی بجز بازسازی روابط وابستگی به امپریالیسم پیش یا پیش نیست. تنها و تنها حکومتی که مبتنی بر اراده کارگران و زحمتکشان و حاکمیتی منافع توده‌ها باشد، حکومتی که سیاستهای خود را نه بر پایه منافع سرما به‌داری، نه بر پایه بگردش درآمد سرما به‌داری، بلکه بر پایه تأمین خواستها و نیازهای توده‌ها قرار دهد است که می‌تواند به با خارج نمودن اقتصاد جامعه از دایره سرما به‌داری امپریالیستی جهان با ایجاد و توسعه صنایع مادر، با اتکا به قدرت و

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر پیشتر مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

گراهی باد سالگرد انقلاب عمان



این پیروزیها از جمله عبارت بود از:
- پایان دادن به روابط عقب مانده اجتماعی بویژه برده داری و فئودالیسم امتیازات قبیله‌ای، مبارزه با عادات و سنتهای ظالمانه‌ای عقب مانده و مضر و جایگزین کردن آنها بوسیله مفاهیم و ارزشهای مترقی (مانند نفوقوانین خونخواهی و قضا، لغو مالکیت قبیله‌ای بر چراگاهها و آبها، برقراری حقوق مساوی میان زن و مرد و غیره)
- گسترش فرهنگ ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی در میان خلق عمان از راه مبارزه وسیع سیاسی با مظالم عقب ماندگی و ستم استعماری.

۱- ایجاد ارتش و میلیشیا انقلابی خلق متشکل از کلیه نیروهای داوطلب برای شرکت در امرهای ستمدیدگان.
۲- تاسیس مدارس و مراکز بهداشتی در مناطق آزاد شده و مراکز تجمع آوارگان در یمن دمکراتیک.

مبارزات خلق عمان بعد از سال ۱۹۷۵ همزمان بود با محول شدن نقش ژاندارمی امپریالیزم در منطقه به رژیم جنایتکار شاه. مردم آگاه، با یاد آوردن که چگونه تحت عنوان جلوگیری از گسترش کمونیزم و مبارزه با اصطلاح خرابکاران وحشی، شاه ارتش مزدورشن را به کمک قاپوس کسبل داشت و قاپوس یکمک اسن ارتش ضد مردمی با فرماندهانی جسور فلاحی که! امروزه جا مسلامی به پس کرده است ظفار که تن به پذیرش برهمنی اوستی داد به خاک و خون کشید. آری - هر مانده‌ها ارتش ایران همیشگی که اکثرشان امروز در ارتش کشتار خلق کرد را فراموشی می کنند، طی سال با هزاران تن بمب و گلوله مناطق ظفار را مورد حمله قرار دادند تا مگر انقلاب را محاصره و نابود سازند. طی سال شاه، قاپوس، انگلیس، ملک حسین و دیگر سر نیروهای ارتجاعی با تمام قوا عملیات سرکوب و وحیانه را علیه خلق پیش بردند و با تحقق سیاست زمینهای سوخته توانستند به مناطق استراتژیک مهمی در ظفار رسد، یا سندوا انقلاب حضور نظامی خود را در بخش غربی ظفار از دست بدهد. این شکست وحشی همراه شد با مجموعه‌ای از ضعف‌های سیاسی تشکیلاتی در جنبش بیرونی خودمختاری مردم و نرزل در راه از عناصر و کارکنان حبه‌ها در برداشت. افرادی که دیگر تحمل مفاصله‌ها در دنیایهای ناشی از اصطلاح خودشان خفت نکست را نداشتند.

یکی از سختی‌ها در حبه‌ها در مواجهه با محله‌ها فارمی گوید: برای خلق فقیر

و عقب نگه‌داشته شده از نظر اجتماعی همچون خلق ما بسیار مشکل است. دشمنی نیرومند در حبه‌های متعددی جنگدو از انحرافات و خطاهای که ممکن است گاهی بسیار هم خطرناک باشد ممن بماند. مایکری خطاها در زمینه‌ها، مختلف سیاسی، طرح ریزیهای نظامی و در انتخاب شعارها مرتکب شدیم. کمالاتی‌ها نیز در رابطه با خواسته‌های عملی حبه‌ها متحد خلق، در هماهنگی برای ایجاد اشکال مختلف مبارزه و حتی در روابط میان اعضای حبه‌ها داشتیم همه این خطاها با ضافه توطئه‌های امپریالیستی - ارتجاعی ما را وادار ساخت تا بخش غربی ظفار را از دست بدهیم. دشمن (بدنبال این شکست) ما شین تبلیغاتی و اطلاعاتی خود را برای بهره برداری از مسائل درونی انقلاب و نفوذ در افکار عمومی محلی، عربی و جهانی بکار انداخت تا با ارائه تصویر انحرافی از انقلاب برای نابودی آن و اشاعه ناامیدی و بی اعتمادی نسبت به آن در میان رزمندگان، میهن پرستان و نوده‌ها بکوشد. در حالیکه ما تا کنون می‌کنیم که دشمن توانسته است نسبت به پیروزیهای مهمی بویژه در زمینه نظامی بدست آورد ما خود را نیز معترف است که هرگز رسوا نشده است به هدف اصلی یعنی نابودی انقلاب و راندن آن به مذاکره سیاسی با ایل آید. دشمن ارتجاعی - امپریالیستی ما می‌داند که حضور سیاسی انقلاب و وجود یک استراتژی مبارزه مسلحانه خطری جدی برای منافسین عا رتکارانه و در منطقه می‌شمارد.

البته مبارزه با تمام سیستمی بسندیهایی است مانند آن است که هدف بزرگمان یعنی تحقق آزادی و استقلال تنها از طریق فداکاری و یک نبرد توده‌ای طولانی و دشوار و همه جانبه صورت پذیرد است. خلق ما مصمم است که خود را برای این چنین نبردی آماده سازد. این موضوع در شماره‌های حبه‌ها طی کناره ۱۹۷۵ (بعد از شکست) تجلی یافت.

در راه تجهیز جوش از نظر سیاسی، ایدئولوژیک و نظامی و تشکیل جهت ادامه جنگ انقلابی مبارزه کنیم - سختکوی حبه‌ها همین اقدامات می‌دهد:

به رغم مشکلاتی که هنوز بر سر راهمان قرار دارد قویا با قاطعیت انقلابی باقی خواهیم ماند و خود را از باطلاتی که حوادث محدودی خارج از کنترل ما را بدان کنار ندیرونی خواهیم آمد. ما قدمهای مهمی در این راه برداشته ایم. ظرفیت بیشتری برای برخورد به مسائل و نظریات عمیق بیرونی

روشن تری نسبت به حوادثی که در منطقه اتفاق می افتد پیدا کرده ایم. استفاده صحیح و علمی از روشهای مبارزه ما می‌توانیم بر تمام مشکلات فائق شویم. سختکوی حبه‌ها را ادامه حبه‌ها مذکور راجع به اوضاع کنونی کشورش می گوید:

اوضاع اخیر کشور ما با حال است اشغال نظامی کاملاً آشکار، کنترل سیاسی، اقتصادی، بوسیله اشغالگران آمریکائی و انگلیسی و وجود یک رژیم دست نشانده شخصی می‌شود. این اوضاع دوره در مقابل خلق ما قرار می‌دهد، یا تسلیم، یا ادامه مبارزه تا کسب پیروزی نهائی. ما انتخاب خلق ما بسیار روشن است زیرا ما مدتهاست در مقابل تسلیم ایستاده ایم و قرار گرفتن تحت انقیاد استعمارگران و نوکران آنها را رد نموده ایم. خلق ما در ۹ ژوئن ۱۹۶۵ با آگاهی کامل از مضامین و دشواریهای این تصمیم را اتخاذ نمود. خلق ما با انقلاب مسلحانه این تصمیم خود را عملی می‌کنند و علی رغم مشکلات و عقب نشینی‌های موقتی راه را ادامه می‌دهد ما بسروری درستی مشی خودمختاری مبارزه مسلحانه همراه با سایر اشکال مبارزه تا کسب می‌کنیم و با رهبری اندیشه انقلابی تا زمانی که آخرین سرباز خارجی از سرزمین دوست ما نشینی ما بیرون رانده شود و دژهای خیانتی که علیه خلق ما بکار گرفته می‌شود نابود گردد مبارزه خواهیم کرد.

انقلاب ۹ ژوئن طی ۱۶ سال گذشته با ایجاد روابط همبستگی مبارزاتی با کلیه نیروهای ملی، دمکراتیک و انقلابی در منطقه عربی و نیروهای مترقی، و دوستان دمکراسی و آزادی و صلح در سراسر جهان زینتیمانی آنها برخوردار بوده است. در این میان حبه‌ها خلق معتقد است که اتحاد میان انقلاب عمان و انقلاب یمن دمکراتیک اتحادی است که در آ میزش خونهای رزمندگان دو خلق برادر تعمیم یافته است.

نیروهای انقلابی ایران بویژه سازمان مجاهدین خلق و سازمان همواره پشتیبانی سیاسی و عملی خود را از انقلاب عمان اعلام داشته‌اند. فدائیان خون رفقها در راه دسیهری و محمد علی خسروی، و مجاهدانی چون رفعت افرا ز در ظفار رشها دت رسیده‌اند.

انقلاب ایران و جنبش ضد امپریالیستی میهن ما بسزمتقلاً "ارکمه‌های بیدریغ" انقلاب عمان برخوردار بوده است. با یمردیهای خلق فهران عمان در مقابل ارتش ضد خلقی شاه کمک بزرگی در آسای چهره رژیم پهلوی نمود. بیپرده نیست اگر خلق فهران ظفار را در پیروزی خلق خود مستقیماً سهیم بدانیم. اما آیا بعد از پیروزی قیام خلق ما امکان خواهد داشت تا معنای "همبستگی عملی - سیاسی" خود را با انقلاب عمان نشان دهد؟ رژیم بقیه در صفحه ۱۶

مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدا نیست



مردم چه میگویند، مردم چه میخواهند؟

ا توپوس شلوغ بودویا زار صحت داغ ،
چندن دریا ره جنگ حرف میزدند ، سردی
با بقل دستی اش از گران می نالیدود -
جوان دربار هدا تشگاه بسته بودن آن
بحث میکردند . را ننده ا توپوس هم بسا
مسا فری که نزدیکی اش بسته بود حرف می
زد ، می گفت دیروز توی میدان جمهوریدیم
که چند حزب الهی - در پنا ه پا سدا رهسا
با جا قوبه چند دختر حمله کرده اند ، صورت
دخترها خونین و مالین بود . آخه آقا
این چه مملکتی است که با وجود اینهمه
فقیر و بیگارا و اینهمه گران ، همسه
اقتاده ا نده نبال اینک بیستند کی کجا
روزنامه می فروشند ، سریزند ، وزا بیزنند .
مسا فری که حرف می زد ، صحت را ننده بود گفت
" آقا شما صحت های دیدب آقا ی بهشتی
را گوش کردید ؟ تازه خیر از سر کسوب
بیشتر می دد " . را ننده گفت : آره خوب
هورژی می دورا ه بیشتر ندا ره با با دمردمی
با شد با اینک با زور سر نیزه خودش را
نیگردد ا ره ، صحبتها بر همین منوال ادا مه
داشت که ا توپوس پشت ترا فیک کیکرد .
در این موقع سرو صدا بی ز بیرون توجه
همه را بخود جلب کرد . از فرار معلوم پسری
نشریه یکی زگروهها را می فروخته که -
قا لانژها به وی حمله کرده و شعدا دیار روز -

کمونیستها را داریم میزنیم ، با غونشون
میکنیم . را ننده گفت : شما غلط می کنید
و چند مشت جا نا نه به سر و کله ا و کوبیدو
پشت فرمان نشست و راه افتاد . مسافران
که به هجان آمده بودند تا مدتها از
پنجره ها به بیرون خم شده و پشت سرشان را
نگاه می کردند . ا توپوس دیگر از صحنه
درگیری دور شده بود که مسافر از را ننده
پرسید : آقا چرا اون پسره را کتک زدید ؟
را ننده گفت : برای اینکه اغتشاش بیبا
کرده بود . مردم مجددا " سؤال کرد : اون -
با کمونیستها ؟ را ننده جواب داد : با با
اونها ایستادن روزنامه میفروشون ،
خوشت نمیا دخر . اونها که نمیکون توبیا
جلود عوا کنیم ، این حزب الهی ها هستند
که میرن دعوا و آشوب بیبا می کنن . این
تلویزیون هم که همش میگه شرايط جنگيه ،
اغتشاش بیبا نکند ، در جا لبیکه همیمن
خودشون هستن . همیمن طرفدارن حکومتند
که این همه بلوا درست می کنن ، ا شوقت
هیچکس هم نیست که اینها رودستگیر کند .
چا قو که دسته خود شوئی پره ا . مسافر
مدبوره که متوجه شده بود ، مسافران دیگر
حرفها ی را ننده را تا نید می کنند ، ساکت
شود دیگر حرفی نزد .

جبران کمبود برق با فشار آوردن بر رحمتکشان

در پی قطع برق کمپ "بوفالو"
ما شهر ، ساکتان این کمپ به فرمانداری
اعتراض کرده و موفق شدند مجددا " برق
را وصل کنند .
این کمپ حدود صد خانوار را در خود جای
داده است و جمگی از سیل زدگان سیل
سال ۱۳۵۹ خوزستان هستند . با فورا
رسیدن فصل گرما ایستاده خوزستان
و استفاده از وسایل خنک کننده برقی
ما سندانگولر ، کمبود برق نیز بر ما -
مشکلات ساکتان زحمتکش این منطقه
اضافه شده است . از این رو اخیرا "

برق کمپ "بوفالو" به دستور فرمانداری
قطع شد ، بدستال این عمل ادا ره برق ،
ساکتان به فرمانداری فشار آورده و پس
از ۳۰ ساعت ، دوباره برق کمپ را وصل
کردند . ما فرمانداری در مواجه با مشکلات
ساکتان کمپ و اعتراضات آنها ، دودوزه
با زی می کرد . بدین ترتیب که یکروز بعد از
وصل مجدد برقی بی سوجه به
گرما ی کشنده جنوب و گرما زدگی
زحمتکشان ، ما موران شهر بانی و ارتش
کولرها ی طاقتها را به زور از کمپ بردند
تا از این طریق به اصطلاحا کمبود برق
مقابله کنند .

حمایت کمیته ارومیه از زمینداران

در تاریخ سوم اردیبهشت عده ای از مردم
روستای قره باغ از توابع ارومیه مقابل
کمیته مرکزی این شهر که متعلق به ملاحظتی
جلاد معروف خلق کروتوک است ، اجتماع
کرده و می گفتند که یکی از " زمینداران -
بزرگ منطقه آب رودخانه روستای ما را به
بیونجه زا خود برگردانده و در نتیجه گندم -
های ما در حال از بین رفتن هستند ، و وقتی
سرای گرفتند حتما از زمینداران رمت خور
اعتراض کرده ایم ، کمیته مرکزی کسی از
اهالی را دستگیر کرده و مورد شکنجه قرار

داده است . جالب اینجاست زما نیکه
روستایان در مقابل کمیته شعرا مرکز
زمینداران را می دادند . زمینداران مزبور که
خود در محل حاضر بود با نیشخندی می گفت :
" اگر دوست شما آدم خوبی بود هرگز شکنجه
نمی شد " و با این حرف خود حمایت کمیته
از منافع زمینداران را با خوبی نشان می داد
ولی دهقانان قره باغ از بی نشنیدن و شوا
بدست آوردن حقوق مسلم خود به مبارزات
خود ادامه خواهند داد .

انتشار سی سی لیک

سومین شماره سی سی لیک (حرفه) -
نشریه هواداران سازمان دریا بلور
منتشر شد . این نشریه حاوی مطالبی در باره
بودجه (نقل از کار) - برخورد با حزب -
توده ، مقالای در باره شورای هماهنگی

با اسر و چند خبر و مطلب کوتاه است . ما
ضمن آرزوی موفقیت برای این رفقا
امیدواریم هر چه بیشتر در راه ارتقاء -
نشریه خودکوشا باشد .

گزارشی از هجوم چماقداران و فالانژها به دهکدهاران

بعد از ظهر روز ۴/۳/۶۰ حدود ۵۰ نفر
از چماقداران به بساطیها ی روبروی -
خیابان دکتر فاطمی حمله کردند ، بساطی -
ها در این درگیری ابتدا موفق شدند
قا لانژها را فراری دهند ولی هر لحظه بر تعداد
گروهها ی فالانژها فافه میشود . در این
درگیری که تا ساعت ۵ ادا مه داشت ، تعدادی
از بساطیها آسیب دیدند ، سپس چماقداران
با میله آهنی ، چاقو ، شیشه و پنجه بگ -
به دهکدهاران خیابان مصدق حمله کرده -
و شروع به ضرب و شتم آنها و تخریب دهکدها
نمودند . حدود ۲۰ - ۲۵ دهکده آسیب دیده و
۷ نفر بوسیله چاقو و پنجه بگس زخمی شدند
که اکثرا " به بیمارستان انتقال یافتند .
روز ۳/۵ نیز مجددا " چماقداران به دهکده -
داران خیابان مصدق حمله کردند . در این
حمله نیز عده ای زخمی و حدود ۱۰ - ۱۵ دهکده
آسیب دید .
از مدتها قبل هجوم فالانژها و چماق -
داران به دهکدهارانها ادا مه دارد . دولت
ضدانقلابی بجا ی بجا دگا بر سر ایستادگان -
هر روز مشت و اباش و ارازل را به سراغ
آنها میفروشند . در این میان دهکدهاران
برای اینکه بتوانند در مقابل اقدامات
فالانژها و دولت حامی آنها در مورد تخریب
دهکدها مقاومت کنند با یدیا تقویت شورای
دهکدهاران یکپارچه و متشکل ایستادگی
نمایند .



درود

کارگر زحمتکش درودی در آتش سرمایه سوخت

دوش از کارگران زحمتکش کارخانه سیمان درود در روز سوم خرداد، هنگام کمسار دجار آتش سوزی شدند و بعلت نبودن وسایل اطفائی و در دسترس نبودن آمبولانس، یکی از آنان بنا به تشخیص آتش‌نشانان، کارگر مکا نیک کارخانه، جان خود را از دست داد. هواداران سازمان درود، درباره این حادثه اعلامیه ای منتشر کرده اند و در آن نوشته اند:

... همه کارگران که از زنده بمانند شایسته آن واقعه دردناک بودند، میدهند که در جایی که همکاران در میان شعله های مسموم حتی یک کیسول آتش نشانی در دسترس نداشتند تا جان وی را نجات دهند و حتی یک آمبولانس در کارخانه وجود نداشت که نتوانستند او را به بیمارستان برسانند. "عرفان رئیس (مکتبی) کارخانه و انجمن اسلامی، بلافاصله برای ائتلاف و گفتار کارگران به تلافی رسوا و بیسویحانه دست و پا زدند و در اعلامیه استفاده از حمایت مذهبی کارگران نمی در پی میباشند."

رفقای درود در انتهای اعلامیه خود می نویسند: "سرای خنثی کردن توپخانه های سرمایه داران و برای جلوگیری از غارت گریهای آنان، شوراهای انقلابی خویش را برپا دادیم و در راه احقاق حقوق خویش در سنگر شوراها به مبارزه برخیزیم. مواضع مسئولان دانش و رئیس و مدیران کارخانه در این حادثه دردناک، بیگانه غانوانه، ذبیحان لاله پای و همه کارگران و دوستان و اولادیت میگوئیم."

گزیده ای از اعلامیه های شهرستانها



نهادند

جاده های خاکی نهداند مسافری و رانندگان زحمتکش را بستوه آورده است

جاده های خاکی نهداند موجب زحمت بسیار روستائیان زحمتکش و رانندگان است که با پدیده رفت و آمد، در این جاده ها، زندگی خود را بگذرانند و با نجات دیگر رانندگان و مسافران، سالهاست که در زحمتکش این روستاها، سالهاست که در سختی زندگی خود را می گذرانند. اما چه در گذشته و چه اکنون، همیشه با بی توجهی سردمداران رژیم روبرو بوده اند. هواداران سازمان درود و رانندگان این روستاها اعلامیه ای منتشر کرده اند و در بخشی از آن می نویسند: مردم ما رزنها و نهداند، آری که دشمنی آشتی رژیمهای سرمایه داری که دشمنی آشتی

نا پذیرا کارگران و زحمتکشان دارند. همواره در پی استثمار، غارت و بدست آوردن سود بیشتر برای خود هستند. سرمایه داران هستند. آنها تنها در جاهای اقدام به عمران و آبادانی میکنند که برایشان منافع سودهای هنگفت باشد. آنها در جاهای اقدام به ساختن و اصلاحات را از طریق این جاده ها و هر چه سریعتر به مقصد رسانده، از فروش آن سود بیشتری به دست آورند، از همین روستا که در شهرهای کوچک برخلاف شهرهای بزرگ که کالا های بیشتری بفروش میرسد و در نتیجه سود بیشتری دارد، جاده ها همچنان خاکی است.

شماره اشکان که از زحمتکش تربین اقدام جمعی می نماید، با پدیده نهداند رژیمهای سرمایه داری هیچگاه با یکدیگر متعلق نیستند و اینها هندو بود. شمشیرها بنا متعلق شدن در شوره های انقلابی، میتوانستند از منافع واقعی خود دفاع کرده و سرمایه داری را از حرکتش باز نگه دارند. رزنها و نهداند، آری که دشمنی آشتی خود را از جمله آفات جاده ها هانمانند



محمود آباد

به مبارزه با سیاستهای سرکوبگرانه رژیم پیردازیم

بدنیال یورش های فاشیستی و پادشاهان به نیروهای مترقی و مبارز محمود آباد، رفقای هواداران سازمان در محمود آباد اعلامیه ای به نام "ریخ هفتم خرداد" منتشر کرده اند. نکته در آن ضمن تشریح سیاستهای سرکوبگرانه و یورشهای وحشیانه عوامسال رژیم جمهوری اسلامی به حادثه اخیر اشاره کرده و می نویسند: "برای چندین بار تا حد حملات جمعی قدرات و پادشاهان سازمان سرمایه داران محلات محمود آباد بخصوص محله سوراج مازو میباشند. دستن بستن همراهمان جمعی در داران به سردمداری آغوشی مرتجع به نام "مهاجر" این بار به منزل روستایان حمله کرده و افراد خانوادها را مورد ضرب و شتم قرار دادند و وفات وی شرمی را بدادند. ما نهداند که به جماعت زنده نماندیم و میروند."

مردم مبارز! در مقابل حملات وحشیانه و رزنها رژیم پیردازیم نسبت به حقوق دمکراتیک، ایجاد و جوقش را و اختناق به مبارزه بپردازیم. مواضع خود را مانع حمله جمعی در داران به نیروهای انقلابی و منازل مسکونی نسیم. تنها از طریق پیوستن به سازمانهای انقلابی است که میتوان جلوی این نیروهای ضد انقلاب ایستادگی کرد."

چهارمخال بختیاری

هواداران سازمان در چهارمخال و بختیاری در اعتراض به دستگیری نجف بنی مهدی که زندانی سازمان مهابادین است برای این مجلس و دیگر نهادهای انقلابی اعلامیه ای به نام "چهارم خرداد" منتشر کرده اند. نکته در آن آمده است: رژیم جمهوری اسلامی در حالیکه تمام زندگان و کارگران جنگ زده صنعت نفت را به امپریالیسم سرمایه داری منتقل کرده است، به حسن ابد عبداللوی و همراهمان پادشاهان و کارگران، هادی اسی که کارگرس است - محمد حسینی که کارگرس است - جمشید رحیمی که کارگر ۵ سال زندان را به جرم دفاع از منافع کارگران که زندانیهای غول افسد محکوم نموده، در شهر ما نیز با یورش به نیروهای انقلابی و دستگیری همه زندانیان از جمله نجف بنی مهدی که زندانی سازمان مهابادین است، با زندانی کردن این اقدامات ضد انقلابی رژیم جمهوری اسلامی از همه کارگران و زحمتکشان دعوت میکنیم که با سیاستهای سرکوب و اختناق رژیم به مبارزه برخیزند."

تروین

هواداران سازمان در این شهر در اعتراض به لایحه قصابی در تاریخ ۲۱ اردیبهشت اعلامیه ای منتشر کرده اند. ضمن نقد و بررسی این لایحه نوشته اند: "مردم انقلابی و جوانان قهرمان و زحمتکش تروین! اگر چه اعمال ضد خلقی رژیم بدون تمویب این لایحه نمیتواند شکست بخورد، اما در مقابل آن تا بیستم ادامه خواهد داشت و لذا تمویب این لایحه سرکوب و اختناق و کشتار و نهداند دیده گرفتن حقوق زنان و لباس قانون به تن خواهد کرد. ما از شما می خواهیم در هر کجا که هستیم، کارخانه، اداره، محله، مسجد یا اعتراض خود علیه این قوانین ضد انسانی اجازه ندهیم که حقوق انسانی شما تا بدین حد پایمال شود."

شیراز

بدنیال حتمن کارکنان پالایشگاه شیراز جهت گرفتن خواسته های خود کارکنان پالایشگاه شیراز نسبت به لایحه (پروپوز) ۶۰/۱۵۵ دست به یک تهمین چند ساعت زنده زنده و فردای تروین مجدداً به اتفاق نمایندگان خود دست به تهمین زنده و خواسته های خود را که شامل اختلال با زوسی و ساواک مابا نه صنعت نفت در فارس

سجد سلیمان

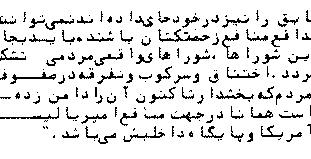
هواداران سازمان اعلامیه ای در رابطه با مسئله کمبود آب در شهر منتشر کرده اند. نکته در متنش این است: "ما لایحه پیش در شهر ما چندمخزن آب نصب شده بود و خاله که همراهمان نفری به جمعیت شیرا ما فاش شده و همان چند مخزن آب مصرفی شیرا تا همین میماند و

خرم آباد

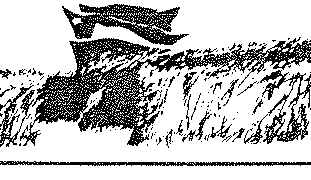
بدنیال اعتراضات دهقانان و زحمتکشان چگنی به اعمال ضد مردمی و تفرقه افکنانه بخشنا را بن مردم منجر به بیرون راندن و کشتن پادشاهان سرمایه دار است. ما حمایت تعداد محدودی فاشیست را از یک روز بخشنا! مذکور را به سرکارها زگرداندند. در این میان نفوذ آنها و عناصر سرسپرده رژیم سابق جهت مخدوش کردن خواسته های زحمتکشان چگنی میگردید که خودشان را در سردمداران مبارزه قلمداد کرده و کوشیدند تا مبارزه مردم بنیاد، تخلخل شرکتها و تعاونی

در جهت تحقق خواسته های کارمندان سازمان و مسئولان وزارت نفت به توافق برسند. کارمندان به مدت یک هفته اعتصاب غذا کنند و از تغذیه "۲۵۰۰۰" شرکت کنند. در مجمع بجز خود و نفرات شرکتی، ندهای و انجمن اسلامی، بقیه این حرکت اعتراضی را به تمویب رسانند. در همین رابطه هواداران سازمان در شیراز اعلامیه ای منتشر کرده و در آن ضمن شرح مطالب فوق نوشته اند: "زحمتکشان مبارز! با پشتیبانی و درخواستهای بحق شوراها و کارمندان پالایشگاه شیراز، سیاستهای ضد مردمی رژیم جمهوری اسلامی را خنثی سازیم."

بدیختی هزاران نفر از مردم زحمتکش و کارگران زنده مسجد سلیمان را بیش از بزرگترین اهمیت پیدا شده و همچون رژیم پهلوی با رسیدگی نکردن به خواسته های مردم روز بروز فشار زندگی را بر دوش آنها بیشتر می نماید.



سابق را نیز در خود جای داده اند. نندش می توانند مدافع منافع زحمتکشان باشند. ما به مبارزه با پادشاهان و این نوع ها، شوراها و اوقاف مردمی تشکیل کرد. اختناق و سرکوب و تفرقه در صفوف مردم که بخشنا را کانون آزادمان زده است. ما تا در جهت منافع میراثیسم آمریکا و پادشاهان خلیف میماند.



ما کمیت شوراها، ایجاد دت و آرای - نما بندگان کارکنان مناطق جنگ زده در تهران و شیراز... بود اعلام کرده است. این حتمن بدنیال تشکیل شورا و شرکت با - با لاینگها میبخشان، امضاها، شیراز، شیراز... بطور موقت تا تاریخ ۲۵ اردیبهشت و ۲۵ اردیبهشت پایمان یافت. در این تاریخ به دعوت شوراها و کارمندان مجمع عمومی تشکیل شد و در طی این مجمع شخصی شد که وزارت نفت شورا را غیر مسلم قانونی اعلام کرده و به خواسته های بحق کارکنان توجهی نگردانده است. به همین دلیل مجمع عمومی تصمیم گرفت تا ۱۵ اردیبهشت بعد از برگزاری مجمع جناح شورا استوار است

این مسئله بخود خود کمبود آب را تشدید می نماید... ما میگوئیم: اگر بر اساسی تنها دلیل برای رسیدگی به کمبود آب شیراز این است که بودجه نهاد رژیم چندانست میباشند، تو مان صرف خود را سطح از کشور همسایه امپریالیستی برای جنگ ارتجاعی بین بود دولت ایران و عراق شود و بی اعتبارترین خواست مردم یعنی زیاد شدن آب مصرفی شیراز هیچگونه رسیدگی نشود! ... آری! رژیم جمهوری اسلامی از آنجا که رسالتش نه دفاع از کارگران و مردم زحمتکش بلکه دفاع از سرمایه داران و زمینداران چپا و لگرمی باشد، زجر و

روستا شورا (که مدیر عاملین آنها عمدتاً از عناصر سرسپرده هستند) هم در جهت تامین منافع خود به پیش بردن این رابطه هواداران سازمان در تاریخ هفتم خرداد در خم آ با اعلامیه ای منتشر کرده اند. نکته در بخش از آن خطاب به مردم چگنی آمده است: "فکودالها و بخشنا و هر یک به نحوی کوشیدند خود را با می طرفدار مردم چگنی سازند اما واقعیت این است که نه بخشنا و نه فکودالها هیچگاه به فکر منافع شما ننشاند. قصد دارند که با اقدام انقلابی شما را لوث نمایند. در جواب این غاشبین به مردم ما میگوئیم که انحلال شرکتها و تعاونیها و پادشاهان رژیم ترا نجام گرفتند و فروتنیها و پادشاهان رژیم با بستن تروین شوراها مردمی داده نشود. شوراها یا اسلامی که عناصر سرسپرده رژیم

اوهای جنوبی

جشن استقلال دروغین در آفریقای جنوبی ومبارزات توده‌ها

رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی، در حالی بیستمین سالگرد استقلال از انگلستان را جشن گرفت که خلقهای نامیبیا و نازانیا تحت ستم و استعمار این کشور قرار گرفته و این رژیم از جانب امپریالیسم جهانی خصوصاً آمریکا و انگلیس حمایت می‌شود. البته قضاوتها و رسوایی‌ها بین رژیم به اندازه ایست که حتی با زمان ملل، این توجیه‌گرسیاستهای امپریالیسم آمریکا نیز جرات حمایت آشکارا از نژادناشنه، ظاهراً «برای فریب افکار عمومی جهان این کشور را تحریم اقتصادی نموده است. (البته کمیاتینها یافت غربی همچنان به این رژیم نفت می‌فروشد.) و بی‌مورد نیست اگر چنین جشنی را با جشن استقلال توسط رژیم مراکش و پاکستان، عمان و بحرین مقایسه کنیم.

امسال در زوها نسوری با انتخاب آفریقای جنوبی در اعتراض به سرکزاری این جشن موجی از بمب‌گذاریها، اعتصابات و اعتراضات توده‌ای صورت گرفت. رژیم آفریقای جنوبی نیز هماهنگاً با این اعتراضات ارتجاعی دیگری را مقابل با این اعتراضات

و با اصطلاح برقراری نظم به انواع مختلف فئودال و سرکوب از قبیل به خون کشاندن - تظاهرات، دستگیری، تفتیش خانه‌ها، اخراج کارگران بودا نش آموزان و دانشجویان دست زد. بعنوان نمونه:

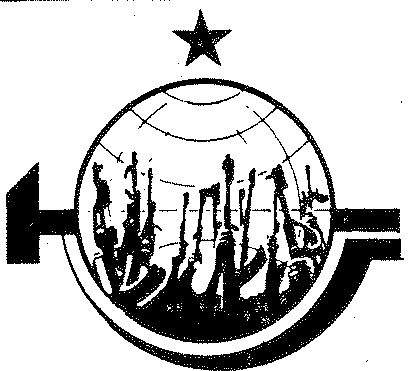
۱۶۰۰ کارگر که در ۶/۳/۶۰ معینان اعتراض در معادن طلا تخصیص نموده بودند در ۸/۲/۶۰ از کار اخراج شد. دودکا رگران دوشرکت امپریالیستی فایرستون و پورتلند در تاریخ ۶/۳/۶۰ پس از انجام یک گردهم آیی برای زکشت ۱۵۰ کارگر اخراجی به سرکار، دست به اعتصاب زده‌اند.

- حدود ۲ هزار تن از دانش آموزان - شیاه پست در ۱۳/۳/۶۰ تظاهرات ضد دولتی ترتیب دادند که پلیس بوسیله با تون، گاز اشک آور و دستگاه‌های تعلیم دیده - به متفرق کردن آنان میپرداختند و ۵۱ نفر را دستگیر نموده که بر اثر فشارهای توده‌ای مجبور به آزاد کردن آنان می‌گردد. پلیس تظاهرات دانشجویان بر علیه تبعیض نژادی و بیستمین سالگرد تأسیس جمهوری سفید!! را به خون کشاند و عده‌ای را دستگیر می‌نماید. والدین این دانشجویان در اعتراض به این اقدامات فاشیستی، راهپیمایی کردند.

- هزاران دانشجویان دانشجو در آموزش برای مختل نمودن سرکزاری این جشن کلاسها - را تا پایان جشن تحریم نموده‌اند.

- همچنین پلیس برای دستگیری رهبران جنبش و آرام کردن اوضاع! به تفتیش خانه‌ها به خانه دست زده است.

رژیم آفریقای جنوبی در این جریان ۵ خبرنگار و فیلمبردار را نیز دستگیر نموده است.

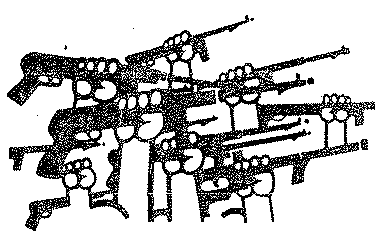


جنبش جهانی کارگری - رهائی بخش

السالوادور

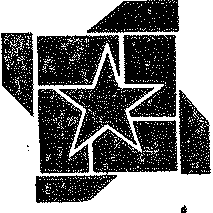
سرکوب و فرم دوروی یک سکه

گزارش کمیسیون حقوق بشر در باره -
السالوادور حاکی از آنست که از آغاز سال جاری مسیحی تا کنون بیش از ۸۰۰۰ نفر از کارگران، دهقانان و سایر مردم سالوادور توسط رژیم افسانوی سرکوب حاکم کشته شده‌اند. کمیسیون مذکور اعلام داشته بسیار از روستاها را زخمی کرده و برای اقدامات وحشیانه رژیم از زمان طبق خود آواره می‌شوند. حدود ۳ هزار تن از ابر روستاها را که اکثر آنها را کودکان تشکیل میدهند و در یک اردوگاه بصری برند، دانشما "در معرض کشتار قرار دارند ارتش و سایر نیروها مسلح ضد خلقی بی‌تفاوت با فتن چریکها و جلوگیری از پیوستن زارعین به انقلاب آنها را مورد حمله قرار داده محصولات روستاها را طراف اردوگاه را از بین می‌برند. این آمار در شرایطی منتشر شده است که شورای ضد انقلابی حاکم ادعا می‌کنند که خواستار رسیدن به راه حل مسالمت آمیز با انقلابیون است و از جمله می‌کوشد با وعده اجازه شرکت جبهه دمکراتیک انقلابی در انتخابات آینده این جبهه را به سازش با خود و خیانت به انقلاب اوادارد. اینجاست که می‌بینیم سرکوب و فرم دوروی آنرا تشکیل می‌دهد.



مستحکم باد پیوند جنبش طبقه کارگر و جنبشهای رهائی بخش سراسر جهان

شیلی



پایان پیروزمندانه اعتصاب

۱۰۰۰ کارگر معادن مس

اعتصاب کارگران معادن مس شیلی بعد از ۲۰ روزه پیروزی رسید و دولت نظامی پینوشه در مقابل خواست کارگران که ۱۲٪ اضافه حقوق بود مجبور به عقب نشینی شد. این اعتصاب که ۵ میلیون دلار به دولت فاشیستی حاکم ضرر زد خود حلقه‌ای از مبارزات انقلابی و رو بر شده شیلی است که بر سر تریحان سیاسی - اقتصادی شیلی جریان دارد.

کواتیمالا

قتل عام روستائیان

بدشمال کشته شد ۲۵ نفر از مزدوران رژیم لوکاس گارسیا در نبرد با انقلابیون - سازمان خلق مسلح انقلابی (CRPA) دهکده جیمالینا نکو واقع در شمال غربی کواتیمالا برای دومین بار مورد قتل عام مزدوران رژیم قرار گرفت. در ماه آوریل گذشته ۲۴ دهقان و اینستا ۲۶ دهقان در این دهکده قتل عام گشتند. خبر این اقدام جنایتکارانه توسط رژیم دیکتاتور لوکاس گارسیا بدین ترتیب اعلام شد که عده‌ای ناشناس به دهکده حمله برده و دهقانان را به قتل رسانده‌اند. اما چه کسی است که ندادند هم‌انطور که روستاهای قله‌تان، ایندرقاش و قارنا در کردستان ایران بدست مزدوران ملاحستی و سیا حمایت نظامیان و پاسداران جمهوری - اسلامی قتل عام می‌شوند روستاهای کواتیمالا نیز بدست ارتش فاشیست و گروه‌های شبه نظامی وابسته به رژیم برای ایجاد در عقب و وحشت در دل خلق‌ها، قتل عام شده است.



باند های سیاه...

بقیه از صفحه ۱۳

نیروهای مترقی در دانشگاهها، کارخانها، راننده ها و حتی در بین ورزشکاران پیروز شدند و منتهی اتحاد کمونیستی در سال ۷۲ در کمتر از ۶ ماه به پیش از ۱۷ نفر را ترور نمودند اما در تمام دوران فعالیت های تروریستی این گروه های فاشیستی و باندهای سیاه، نه تنها هیچگونه دستگیری اتفاق نیفتاد و حتی کسی به عنوان مظنون نیز جلب نشد بلکه حتی مقامات دولتی از محکوم کردن این عملیات نیز خودداری نمودند. باندهای سیاه از حمایت مستقیم پلیس برخوردار بودند و بعدها معلوم شد که تمامی آنها توسط "وزیر رفاه اجتماعی" وقت رهبری می شود و مبلغ هنگفتی پول و اسلحه از طریق سفارت آمریکا و شرکتهای آمریکا نیز دریافت نمیشده اند. با این وصف همواره رژیم های حامی باندهای سیاه سعی کرده اند در نظر توده ها و باندهای سیاه را مردمی و وظیفه شناس مبین پرست و حامی قانئون، مردمی که از بی نظمی ها خسته شده و عمیبا نیندج لسوه دهند. اما در پی برده چیز دیگری نهفته است، دستجاتی از اوپا ش که توسط حاکمیت به کشیف ترین شکلی تنظیم می شوند.

با وجودیکه سازماندهی باندهای سیاه باعث ایجاد جو خفقان، وحشت، ترور و کشتار در جامعه میگردد، اما با این وصف نشانها ضعف هیئت حاکمه است. شکل گیری باندهای سیاه در شرایطی است که سرکوب قانونی، مصلحت او جگری می رزات توده ها، ضربه خوردن دستگاههای سرکوب... ممکن و میسر نیست.

نطفه های باندهای سیاه سازماندهی شده توسط حکام جمهوری اسلامی در قبیل از او جگیری جنبش توده ها قلمداد شدت بهر حیله آنا نوا میا رنما پند و در این راه نیروهای مترقی و سازمانهای انقلابی بخصوص کمونیست را بر سر راه خود یافتند. در آن مقطع هنوز ارگانهای سرکوب در دست رژیم خائن پهلوی بوده و از این جهت سازماندهی باندهای سیاه بعنوان ارگانهای سرکوب رهبران لازم شد. هسته های اولیه و حزب الله مدتها قبل از قیام شکل گرفت. حملات "حزب الله" در ابتدا عمدتاً در شکل جلوگیری از شاه شاه راهای انقلابی و راهبیمائی توده ها و حمله به کسانی که سعی در ارتقاء شاه را هبیمائی میا داشتند جلوه میکرد. و در چند مورد نیز حملات سازمان نیافته ای به راهبیمائی نیروهای چپ انجام شد. از جمله حمله وحشیانه به راهبیمائی مستقیمی که از میدان قزوین به قندهار نشگاه صنعتی انجاء شد و در آن حزب الله علاوه بر چاقو و دشنه چنبد با اتومبیل و حتی کامیون به

میان صف تظاهرات کنندگان یورش برد. پس از قیام ارتش شهریان پیوسته ارگانهای سرکوب آنچنان ضربه خورده بودند که با توجه به سطح مبارزات توده ها رژیم جمهوری اسلامی قادر به بازسازی سریع آنها نبود. در نتیجه سازماندهی باندهای سیاه اوج گرفت. اینبار رژیم با استفاده از راجد و کلاسی که در سرنج توده ها به دست میآورد و با سو جونی از تمام امکانات حکومتی به تنظیم و سازماندهی هر چه بیشتر و هر چه سریعتر دستجاتی از اوپا ش و لگروان پرداخت تعداد بسیاری از لگروان میا جگیران، چاقو کشها، جانیان و شبه کاران، مجرمان آزاد شده و و خوردگان را معماران دستجات مخفی و بعدها در سازمانهای سرکوب رسمی چون کمیته ها، سیاه پاسداران و بسیج (که سرعت از حالت خود جوش توده ای خارج شده به قبضه رژیم ضد انقلابی درآوردند و از نیروهای مردمی و مترقی تهی گشتند) سازمان داده شدند. تا بنام مردم، بنام نهادهای انقلابی، بنام ارگانهای مردمی مبارزات خلق را سرکوب کنند. جالب این جا ست که با اصطلاح از ادبخواهان موزی را چون قطب زاده و بی زدی خود سازماندهندگان باندهای سیاه بودند. و فقط پس از قیبه قدرت از سوی حزب بود که دستشان از این نهادها نیز کوتاه شد و تمامی سازماندهی، بسیج و تنظیم باندهای سیاه بدست حزب جمهوری افتاد.

در شرایط موجود، با وجودیکه رژیم سرعت ارگانهای سرکوب آریامهری چون ارتش و شهریان را با زسازی میکنند با وجودیکه ارگانهای سرکوب ویژه خود یعنی سیاه و کمیته ها را بشدت تقویت کرده اما با زهم بخوبی درک میکنند که این ارگانها برای مقابله با مبارزات او جگیران توده ها کافی نیست. اینک توده ها مهر خود را بر تمامی حرکتات جامعه کوبیده اند و از اینرو حاکمیت "مستضعفین"، حاکمیت پابره نه ها و حاکمیت "انقلاب" نیز مجبور است سرکوب خود را در لوی نام توده ها پیش برد و از سوی دیگر چهره اوپا های قانونی بورژوازی در هر ریخته است توده ها دروای مرزهای قانونی حامی سرما به مبارزات خود را به پیش می برند. اعتراضات و اعتصابات و مبارزات آنان همه وهمه در مقابل نظم مطلوب بورژوازی قرار دارد و از اینرو سرکوب قانونی پاسخگوی مقابله با آن نیست. حاکمیت مجبور است به سرکوبی بی قانون، به ترور سیاه، به حملات فاشیستی و به سازماندهی باندهای سیاه بپردازد. در اینجا ست که هر روز به شاهدیوشهای وحشیانه، ترور، شکنجه، شکل گیری خانه های امن و... هستیم ولی حتی یک مورد نیز مجازات حزب اللهیها و فالانژها و... دیده نشده. در عین حال که سران حکومت نیز به حمایت علنی و بی دریغ از باندهای سیاه بپردازند آنها را توده های مردم "مبارزان انقلابی" می نامند.

بهشتی میگوید "در میان این نیروهای صدیق (یعنی حزب اللهی ها) کسانی هستند که از زور خشم و عصیانیت و دلسوزی به انقلاب برآشفته میشوند... خصمکین می شوند و درگیری می شوند اما هرگز انگیزه ای جز جنگ با انقلابی که با خون خود و عزیزان خود بدست آورده اند ندارند." (اطلاعات ۱۱۷ ردیبهشت) و راجاتی در سیمای جمهوری اسلامی میگوید "حزب الله همانهاست که هستند... در مقابل کلونله ها سینه هایشان را خا ضر کردند." "حزب الله همانهاست که هستند... در شهر یور، در اول محرم در تبریز و قوم در نقاط دیگر کوربه فرمان روحانیت متعهد و آگاه... آزاد به میدان آمدند. حزب الله آنهاست که هستند که آگاهانه مراقب انقلابند..." تمامی این مسائل بخوبی ارتباط تنگاتنگ با باندهای سیاه موسوم به حزب الله و حاکمیت ارتجاعی را نشان میدهد. مثال آنچنان روشن و ملموس است که دیگر حتی نیازی به ارائه اسناد و مدارک بدست آمده از پانتهای سیاه، کارتهای سیاه، کارتهای بسیج و کمیته و... نیست.

با وجودیکه رژیم جمهوری اسلامی همواره سعی کرده تا با بهره گیری از توم توده ها، آنان را نیز در مقابل نیروهای انقلابی قرار دهد. با وجودیکه همواره حزب الله سعی کرده با بهره گیری از تظاهرات و جمععات توده ای، مردم را به مقابله با نیروهای مترقی بکشا ندد و روجه غالب توده ها از زمان ابتدا نسبت به "حزب الله" نه تنها واکنش مثبتی نشان ندادند بلکه واکنشی (هر چند احساسی) مخالف داشتند زیرا در شمار "حزب فقط حزب الله شکل گیری حزب رستاخیز جدیدی را میدیدند. توده ها سیستم تنگ حزبی رستاخیزی را در پس این شعار می یافتند و در پی آنندیکتا سوری و سرکوب مبارزاتشان را میدیدند با این وجود باندهای سیاه تا مدتی توانستند با نگاه به تالیات مذهبی توده ها، اقا رنا آگاه خلق را به خود جلب کنند. اما ماهیت ضد خلقی این دستجات برای اقا رنیز روشن گشت توده های خلق که در جهت بدست آوردن استقلال، کار، مسکن و آزادی قیام کرده بودند. بتدریج می دیدند که رژیم حاکم نه تنها خواستهای آنها سر را برآورده نمی سازد بلکه در مقابل آن نیز ایستاده است. شوراها را سرکوب میکند، اعتراضات و تحصنها را بخون میکشد، بیکاری، فقر و گران شدن شدید شده و در عرض رژیم از منافع سرمایه داران و زمینداران حمایت می کند. توده ها هر روز بیشتر رژیم جمهوری اسلامی را در مقابل خود و سرکوبگر مبارزاتشان می یابند. اگر در ابتدای شکل گیری حزب الله فقط به سرکوب نیروهای مترقی میپرداخت اینک که توده ها روز بروز بیشتر به مبارزه روی می آورند "حزب الله" به سرکوب هر حرکت و اعتراض توده ای میپردازد. تظاهرات کارگران بیکار رتوسط

سرکوبگران خلق کرد دشمن همه خلقهای ایران هستند

بقیه در صفحه ۱۶

بمناسبت سالگرد تولد رفیق چهگوارا (۱۶ آذر ۱۹۲۸ - ۱۹ اکتبر ۱۹۶۸)

★ جاودان باد خاطره رفیق چهگوارا



جنگ چریکی، یک جنگ خلقی، تعیین مبارزه،
توده ها است. بدون حمایت مردم به جنگ
چریکی پرداختن، به معنای پیش رفتن
به طرف یک فاجعه اجتناب ناپذیر می
باشد. واحد چریکی، پیشا جنگ مبارزه خلق
است. . . . که باید در مبارزه خود مورد -
حمایت توده ها و روستائی و کارگران -
مناطق قلمروشی که در آن گام می گذارند،
قرار گیرد. . . . در صورت فقدان این شرایط
نمی توان به جنگ چریکی مبارزه درت و وزید"
(متون نظامی ص ۱۲۲)

چه گوارا علیه رگم تا کیده های فراوانش
بر جنبه نظامی، جنگ انقلابی را عملیات -
عظیم سیاسی - نظامی که جنگ چریکی فقط
جزئی از آنست، تعریف می کند و تکیه اش بر
اهمیت کار سیاسی است بطوریکه پیشا جنگ
را موظف میداند که به موازات عملیات
نظامی مبارزه با اعتلا و رتوده اش می رسد
مبارزه درت و وزید. "سوء قصد و تروریسم کمسور
نیاید مورد استفا ده قرار گیرد. اگر چه
اینست که کار رتوده ای کرد. ایده آل انقلابی
را در ذهن ها حک نمود و آنرا به مرحله
پختگی رساند تا در لحظه موعود، توده ها
بناوندند با کمک ارتش شورشی بسج شده،
کفه ترا زورایه سودا انقلاب خم کنند. در این
راه نباید از زمانها نهی توده ای کارگری
روستا ئی که ایده آل انقلابی را در صفوف
خاص خود گسترش می دهند، غافل ماند -
باید به خواندن و توضیح دادن انتشارات
توده ای میاید درت و وزید" (متون نظامی)
و چه گوارا خود در این راه گام برداشت،
در زمان اشغال ایالت کاکا ما کوئه "کاکا
سندیکا های کارگری و روستائی منطقه
تمام س برقرار کرد و حتی شرکت های تعاونی
محلی کارگران کشا و وزیرا تاسیس نمود
(نام ه چه گوارا به کاشتر و ۲۰ اسب تا میسر
۱۹۵۸). در واقع چه گوارا را به بین جنگ
چریکی توده ها را رابط های دیالکتیکی می
بیند و آنرا اتحادی رگام نیک تصویر می
کند: "همگامی و همراهی واقعی بین رهبران
که در عمل، اهمیت اساسی مبارزه مسلحانه
را به خلق تعلیم میدهند و خلق که در مبارزه
رشد می کند و به نوبه خود لزوم مبارزه اش را به
رهبران نشان میدهد. . . . این همراهی
و همگامی بین چریک و خلق، در بنیادی -
کردن تدریجی (مبارزه) ظاهر میشود که
کم کم خصمه ها را انقلابی جنبش را تشدید
می کند و باعث می دهد که آن عرضه می کند" -
(متون نظامی).

چه گوارا، این پراتیسین و تئورسین
بزرگ جنگ انقلابی که فرست طلبان به
عدم روی ماجراجو و فقط یک پراتیسین انقلاب
معرفی می کنند و مرگ اش را سرود مرگ -
مبارزات مسلحانه در آمریکا لاتین
میخوانند، به گفته هم رزمش، فیصل
کاشتر و، "تجمعی است از بی نظیرترین
ویا کترین روحیه انتزاعی سونا لیستی
که صفت مشخصه کنونی جهان ویا زبیشتر
در جهان فردا می باشد".

چه گوارا، یک مارکسیست - لنینیست
یک رهبر سیاسی - نظامی ویا لاترا زهمه
اینها یک انسان بود، یک انسان طراز
نویسن یک کمونیست و نمونه ای از تعهد
کامل به آرمان واقعی انسانها، او سمبل
نسل انقلابی عصر ما بود که در پاسخ به بی
عملی و خیا نشهای حزب کمونیست سنتی
در جوامع ویا بسته شکل گرفت.
چه گوارا انسان بود که زندگی را در
انقلاب می دید و خود را ای همان صفاتی
بود که برای فردا انقلابی در حزب برمی
شمرد: "موتور آگاه انقلاب که "باید
مبارزه کند تا عشق خود را به بشریت بسا
کردارهای مشخص به منصف ظهور رساند،
کردارهای مشخصی که سر مشق مردم و عمل کرد
شان بسج توده های خلق می باشد".

چه گوارا، این پزشک آرژانتینی که پس
از بر خوردن کاشتر و بعنوان پزشک
"کانون چریکی" انتخاب شد تا فرماندهی
یکی از مهمترین جبهه ها را انقلاب رسید،
به دانش مارکسیسم - لنینیسم مسلح
بود، چه گوارا از تجربه و تحلیل موقعیت
اقتصادی - اجتماعی آمریکا لاتین، از
تجربه شخصی خود در گوا تا لادر ۱۹۵۴ -
(سال خیانت ارتش به جنبش توده ها
و سپردن کوربه مزدوران کمپانی
یونانی تندر و روست) و نیز تجربه پیروزمندانه
خود در کوبا به همان نتیجه حاصل از تجربه
کمون پارسیس و انقلاب روسیه رسید:
انقلاب زحمتکشان باید ما شین نظامی
سیاسی بورژوازی را درهم شکند. "اگر
قبول کنیم که دشمن برای بقا می نرسند
در قدرت مبارزه خواهد کرد، باید نا بودی
ارتش ظاهر و مستمکرا مورد توجه قرار داد
و برای نابود کردن آن باید قاتل شد که
یک ارتش توده ای را در مقابل آن گذاشت"
(متون سیاسی ص ۸۲).

تئوری جنگ چریکی چه گوارا، بر پایه
همان تئوری "جنگ ادا مه سیاست است
ولی به شکلی دیگر" استوار بود.
چه گوارا جنگ چریکی را نه جنگ اقلیتی
پارتیزان علیه ارتش نیرومند که بر
عکس، جنگ تمام می توده ها علیه استعمار -
گران و مستمکرا می دانند. چه گوارا در "جنگ چریکی
یک شیوه"، در انتقاد به کسانی که می خواهند
به جنگ چریکی بپردازند ولی مبارزه -
توده ها را فراموش می کنند، می نویسد:

در مقاله ای تحت عنوان "مفهوم برنا مسد
ریزی سوسیا لیستی" با تکرش ژرف و یکسار
گیری اقتصاد سیاسی مارکسیستی در مقام
پاسخگویی به بتلها می میر میاید. چه گوارا
همین دیدگاه را پس از انقلاب کوبا،
بهنگام مدیریت امور اقتصاد دی و صنعتی
حکومت انقلابی بکار می گیرد و بدین
ترتیب وظیفه اش را به انقلاب در زمینه -
های دیگر دنبال می کند و ثابت می کند که
نه تنها یک چریک انقلابی، بلکه یسک
تئورسین رهبر سیاسی برجسته است.
اما چه گوارا یک انتزاعی سونا لیست
بود و توان انقلابی اش را نه تنها در خدمت
به کوبا یا انقلابی بلکه در خدمت به انقلاب
های دیگر بخش جهان می دید. ویرا ساس
همین دیدگاه انتزاعی سونا لیسم پرولتری
بود که علیه رگم وجود انحرافات در دیدگاهش
مبنی بر تمسک مکانیکی تجربه کوبا بسج
بولیواریت ویا مبارزه و مرگ خود حماسه -
ای دیگر آفرید.

چه گوارا، در کتاب "انسان و سوسیالیسم
در کوبا" در رابطه با وظایف فردا انقلابی
به مثابه موتور آگاه انقلاب می نویسد که
وظیفه فردا انقلابی "فقط با مرگ اوپا یا
می گیرد و با دست کم تا زمانی که ساحت
سوسیالیسم به مقیاس جهانی تا شل گردد.
هر گاه میسر ترین وظایف فردا انقلابی در
مقیاس محلی تحقیق و تفند و در وجود اشور
انقلابی اش فروکش نماید، هر گاه انتزاعی سونا
تا لیسم پرولتری از یاد ببرد، آنگاه
نقشی را که به مثابه موتور تحریک انقلابی
که او رهبری می کند، پایتان میاید بدویسه
ورطه رخوت راحت طلبی سقوط می کند. . . .
انتزاعی سونا لیسم پرولتری یک وظیفه
است زیرا یک ضرورت انقلابی است. این
آموزشی که ما باید به خلق خود بیا موزیم.
فیدل کاشتر و "در پیشگفتار ریسم
خاطرات" چه "در بولیوی" می نویسد که
چه گوارا مرگ خود را امری طبیعی و محتمل
می دانست اما همواره تا کیده اش که تا این
احتمال، پیشرفت اجتناب ناپذیر انقلاب
در آمریکا لاتین را کند نخواهد کرد و در
پیمان خود به کاشتر و سه قاره افکارش را بدین
صورت بیان داشت: "هر قدم که برداریم
اگر چه جنگی است علیه امپریالیسم. . . .
هر آنگاه که مرگ ما را غافلگیر کند، بگذار
آنرا خوش آمدگویی مشروط بیا بیند که
فریاد ندردها در گوش شنوای موشرا فتاده
با شد و دست دیگری به پیش آید تا اسلحه
ما را بدست گیرد"

نه سازش نه تسلیم نبرد با آمریکا

باند های سیاه

بقیه از صفحه ۱۴

حزب الله و با حمایت با سداران به خون کشیده می شود. دهکده داران، حزب الله و سداران را در رودر روی خود می یابند. ناگرگان در هر تحمّن و اعتصاب شاه سداران حزب الله و با سداران در سرکوب چریکشان هستند. دانشکده ها توسط حزب الله به خون کشیده می شود. مدارس مورد تورش حزب الله قرار می گیرند کشتا بخانه ها و دفاتر تشریفات و روزنامه ها، دفاتر نیروهای انقلابی همه و همه با همدستی حزب الله و با سداران مورد حمله واقع می شود. همچنین توده ها هر روز شا هستند که چگونه نیروهای مترقی مورد تورش حزب الله و با سداران قرار دارند. میتینگ ها و تظاهرات سرکوب میشود، فرورسندگان تشریفات و دهکده داران انقلابی مورد ضرب و کشتن حزب الله قرار می گیرند و ...

بدین طریق توده ها هر روز بیشتر درمی یابند که چگونه با ندهای سیاه موسوم به "حزب الله" بعنوان نه سدار چریکی سازمان یافته در کنار سپاه با سداران سرما به و کمینته ها و در مقابل خلق قرار دارند و در می یابند که حزب الله چرمنی او با شاجیر شده و گروهی با سدار و بسیجی نیست که در ایران سازمان دهندگان حزب جمهوری اسلامی قرار دارند. با فروپاشی توهم توده ها، حزب جمهوری اسلامی بیش از پیش بسوی سازماندهی و تشکیل باندهای سیاه روی می آورد و اینجاست که شا هستند دید روز افزون حضور حزب الله بعنوان یک نیروی سرکوبگر در سطح جامعه هستیم. و حتی در اعلامیه چچا هدین انقلاب اسلامی بمناسبت سالروز اعلام موجودیتش میخوانیم "۱ سال تأیید ما لجا افتادن کارتشکیلاتی در دهمن جامعه ... سال پرورش کارهای همه جانبه اسلامی، سال سازماندهی مردم (۱) سال نظم و قدرت تشکیلاتی اسلامی باشد. بخوبی روشن است که حزب جمهوری اسلامی و گروه نظامی تحت فرماندهی اش چگونه بر لزوم تأکید بیشتر بر تشکیلات باندهای سیاه که بنا بر مردم خوانده می شود سازماندهی آن و پرورش کارهای "حزب جهشت زهیری سرکوب و ترور تا کید می کند و در

گراهی یاد

بقیه از صفحه ۸

جمهوری اسلامی در نهایت بی شرمی از پذیرش رسمی نمایندگان انقلاب عمان و کتایش دفتر نمایندگی به آنها در ایران خودداری کرد و نموده آنها پس از ماهها تلاش وقتنی موفق به اینکار نشدند با ورا نه کشور ما را ترک کرد.

این رژیم و قیچانه از افسسای توافق محرمانه میان رژیم شاه و رژیم عراق در قرار داد الجزایر خودداری کرده خویش را متعهد به انجام تمامی آن قرار داد اعلام می کنند در حالیکه همسایر و نهادهای انقلابی منطقه می دانند یکی از مفاد سری قرار داد طرح توطئه مشترک علیه انقلاب عمان است.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ضمن اعلام این واقعیتها که ناشی از ماهیت ارتجاعی حاکمیت فعلی است بر پیوند خلقهای ایران و عمان علیه دشمن مشترک امپریالیزم جهانی به سرکردگی امپریالیزم آمریکا و یابگاه های داخلی آن در کشورهای تحت سلطه تا کید می ورزد و ساگر داین روز تریخی را به خلق قهرمان عمان و وجبه خلق برای آزادی عمان گرامی میدارد. خلقهای قهرمان ایران صمیمانه آرزوی پیروزی این خلق را دارند.

تهدید به اخراج سه کارمند هواشناسی بخاطر نداشتن روسری

سه تن از کارکنان سازمان هواشناسی به دلیل نداشتن روسری، در معرض بکناری زکار قرار گرفتند.

روز چهارشنبه سیزدهم خرداد، خبر چین ها ایانجمن اسلامی هواپیمائی کشوری به سرپرست و رئیس سازمان هواشناسی اطلاع دادند که عده ای از کارمندان زن در آتشگاه کاخ خود، بی روسری هستند و در پی آن، رئیس سازمان هواشناسی بدون خبر و آردا تا قکارمندان، مزبور شده و به محض اینکه می بینند روسریهای آنها بدرستی موهایشان را نیوشانده است دستور معلق کردن آنها را بمدت سه ماه صادر کرد.

این حکم بلافاصله از سوی کارمندان دیگر، مورد اعتراض قرار گرفت. از سوی دیگر انجمن اسلامی که حرکت یکپارچه کارکنان معترض را از نزدیک می دید، با صدور بخشنامه ای اعلام کرد که: در برابر کسی که حجاب اسلامی را مراعات نکنند شدت دست به عمل خواهد زد. اما کارمندان بی اعتنا به این بخشنامه، متحد و مصمم به اعتراضات خود ادامه دادند و دادگاه روز نوزدهم خرداد ما مورین مسلحان دادگاه انقلاب اسلامی، برای دستگیری کارمندان آگاه و مترقی، محل سازمان را اشغال کردند. ما موران ژ - ۳ بدست از همان آقا زبا مقامت کارمندان رو بر او شدند و لی سرانجام چندتن را بازداشت کردند اما ایستادگی و فشار رهبر مسته کارمندان موجب شد که ما موران دادگاه، کارمندان بازداشتی را آزاد کنند. کارمندان فوق علاوه بر این پیروزی که نتیجه مستقیم اتحاد و همبستگی آنها بود، توانستند مسئولان سازمان هواشناسی را نیز و انارتند تا هر چه زودتر حکم صادره در مورد سه تن از همکاران زن خود را لغو کنند. حرکت اخیر کارکنان سازمان هواشناسی و موقعیت آنان، بر روی مجموعه سازمانهای موجود در فرودگاه تا شیر مثبتی داشته است.

نامه يك کارگر

بقیه از صفحه ۵

مملکت مرسوم است، تهمت زدن به زحمتکشان است. کدا م زحمتکش است که سوار می ۱۰ هزار تومان تا یک میلیون تومان داشته باشد. کدا م کارگر است که صدها هزار تومان یا میلیونها تومان - شروت داشته باشد. کدا م کارگر است که روزانه صد تومان میوه بخورد و خزندانش در دانشکده ها کشورها یا اروپا شسی و آمریکا می مشغول تحصیل باشند. کدا م کارگر است که سرخو جی روزانه با زن و بچهاش بگومگوند داشته باشد. کدا م کارگر است که در بندر نشاء. کارگر بیکه از ۷۰ سالگی

موردا ستمها صاحب کاران و رژیم ضد کارگر بوده و هشت بعد از ۴۰ سال کار شبانه روزی هنوز بلاتکلیف است. صاحب کاران و سرما به داران و رژیم ضد کارگری کار ۴۰ سال را از ما کشیده اند. ایس مملکت از اول به همین شکل نبوده، بلکه استخوانهای کارگران این مملکت سرد شده تا به این شکل فعلی رسیده. حال که بحمد الله نخست وزیر هم هستیم، میتوانیم از خانه های مسکونی گرفته تا کارهای بزرگ و کوچک را بررسی کنیم. تا بفهمید کارگران چقدر زحمت کشیده اند تا مملکت را به این شکل در آورده اند. این کارگران بودند که دل کوهها را سوراخ کردند و با سائل اولیه یعنی بیل و کلنگ برای ما حیسان ما شینها، جاده ساختند. این کارگران بودند که میلیونها ساعتان کلنگی را ویران کردند و از نو برای قایان کاخها

ساختند. این کارگران بودند که چرخ عظیم شرکت نفت و کارخانه ها را خواباندند و باعث شدند که شاه فقط شود و شما همه حکومت برسید. این کارگران هستند که در جبهه ها کشته شده و میشوند. این کارگران هستند که از چند نفر از حقوقشان به جنگ زدگان و دولت کمک می کنند. چطور شد حالا که بعد از این همه تلاش استخوان خردکن و خانمان سوز، کارگر را بگری بگوید قانسون تکلیف ما را از جهت باز شستگی، حقوق، ساعت کار، مرخصی، سالیانه و خواسته های دیگر روشن کند، ضد انقلاب میشود. این حرفها تا زگی نداشتن رد چون زمانی که کارگران اعتصاب و تظاهرات میکردند رژیم خونخوار شاه میگفت: اینها عده ای خرابکار ریش ناستند، شما هم همان را - تکرار می کنید.



بقیه از صفحه ۱

یورش گسترده حزب جمهوری اسلامی و مبارزات توده‌ها

حزب طرحی دقیق و برنا مهربی شده
را جهت سرکوب نیروهای مترقی در دست
اجرا دارد. آشنا داین توطئه در نشریه
کا شماره ۱۱۲ افشا شد و مراحل متعددی
از آن نیز توسط حزب جمهوری اسلامی
به اجرا درآمده است. از جمله اطلاعیه
صادر از سوی دادستانی کل انقلاب به
تاریخ ۳/۱۴/۵۶ که در آن با گروههای
مسلح غیر قانونی اتمام حجت شده است
انجام سخنرانی های متعدد و دور -
بیانیه هایی مبنی بر اعلام آمادگی
جهت سرکوب نیروهای مترقی و انقلابی
در صورت "فتوای امام" (از جمله سخنان
مهدوی کنی در رادیو تلویزیون نیز که
وعده سرکوب نیروهای انقلابی توسط
نیروهای انتظامی را میدهد و بیانیه
سپاه پاسداران که تهدید به سرکوب -
نیروهای انقلابی میکند) جمهوری -
اسلامی (۳/۲۵) و پیشبرد کامل این
توطئه سرکوبگرانه منوط به قبضه
یکپارچه حاکمیت و برقراری جواختناق
و سرکوب است و حزب در هفته های اخیر
حرکات خود را جهت آماده سازی زمینه
مساعی برای این عمل تشدید کرده -
است.

کشمکش شدید جناح های حاکمیت در
مقطع اوج خود، مسائل جامعه و حرکات
توده ای را تحت الشعاع خود قرار داده
و به حرکات وسیعی در سطح جامعه منجر
شد.

وضعیت توده ها در این کشمکش چیست؟
بیش از دو سال حاکمیت جمهوری اسلامی
برای توده ها چیزی بجز تشدید روزافزون
بحران اقتصادی، فشا روزافزون فکری
و فساد تکنگرانی و بیکاری، جنگ ارتجاعی
و عوارض مصیبت بار آن و... به ارمغان
نیاورده است. رژیم جمهوری اسلامی در
عوض پاسخ به خواسته های برحق توده

ایجاد کار، مهار زدن به گرانی و تورم
و تامین معیشت توده ها به سیاستهای
سرکوبگرانه متوسل گشته است. مبارزات
توده ها به شدت سرکوب میگردد، نیروهای
مترقی و انقلابی تحت شدیدترین پیگرد
قرار دارند. ضرب و شتم و ترور و کشتار
به مسئله ای روزمره بدل شده است.
آزادیهای سیاسی و حقوق دمکراتیک
مردم پایمال گشته و سازمانها اختناق
تمامی جامعه حکمفرماست. توده های
مردم شا هدند که رژیم جمهوری اسلامی
در عین پیشبرد این سیاستهای سرکوب
گرانه و ضد خلقی به بازسازی سریع سیستم
وابستگی مشغول است و روز بروز زبیر
سرعت نزدیک شدن به امپریالیسم
میانفزاید. تمامی این عوامل باعث
شده است که توده های وسیعی به سرعت
توهم خود را نسبت به رژیم حاکم و در
راس آن حزب جمهوری اسلامی از دست
بدهند و ناراضی آنگان اوج بگیرد.
دعوی شدید و جناح حاکمیت در
شرایط عدم حضور فعال نیروهای مترقی
تا شیرات خود را در صف بندی توده ها به
شکل وسیعی بر جای نهاده است. توده های
وسعی بزائرناراضی خود از سیاست

عدم وجود سازماندهی توده ها و غالب
بودن حرکات خود بخودی است. نظائر
آخر، شعارها، شکل حرکت، سرعت
پراکنده شدن جمعیت تحت حمله حزب -
الله و... بخصوص در روزهای نخست همه
بخوبی نشان داد که حرکات توده ها -
عمدتاً بی سازمان است. این عامل -
نتایج بسیاری را به دنبال خود دارد.
هرگاه این بی سازمانی تداوم یابد
امکان دارد لیبرالها و حتی محافظ
بورژوازی انحصاری شعارهای توده ها
را تحت کنترل خود در آورند و مبارزات
آنها را به انحراف بکشانند. حرکات
توده ها در اثر حملات نیروهای سرکوبگر
بسیار سریع و بدون کوچکترین مقابله
موتیراکننده میگردد، روحیه توده ها بر
اثر عدم وجود قدرت مقابله بسرعت
تضعیف میشود. بسیاری از مردم بی
وجود ناراضی شدیدی خود، جذب این
حرکات پراکنده بی سازمان نمی گردند

و...
اما از سوی دیگر حزب جمهوری اسلامی
نمایشی از سازماندهی دستجات و گروه
- های سرکوب را عرضه کرد. حزب هر روز
که میگذرد بر اثر از دست دادن پایگاه
توده ای خود به سازماندهی هرچه
وسیعتر سرکوب روی میآورد. باندهای
سیاه موسوم به حزب الله، کمیته ها،
سپاه و بسیج همه و همه در این رابطه
روز بروز منسجم تر گشته نیروی بیشتری را
تحت سازمان خود در میآوردند. حزب با
استفاده از تحریکات تشکل دستجات -
سرکوبگر خود توانست در روزهای اخیر
سرکوبی وحشیانه وسیعی رحمانه را شکل
دهد. ضرب و شتم، دستگیری و ترورهای
سیاه در روزهای اخیر نمایشی از سیاست
سرکوبگرانه و وحشیانه حزب جمهوری
اسلامی بود. بطور خلاصه میتوان گفت در
یکسوم حزب جمهوری اسلامی با نیروهای
سازمان یافته، باندهای سیاه حزب -
اللهی و... و در سوی دیگر بخشی از
توده ها که در وجه عمده بی سازمان و بدون
هدف و شمار مشخص، برائرناراضی و
جهت مقابله با حزب به میدان آمده اند.
بخش عمده ای از توده ها نیز به نظاره این
حرکات مشغولند.

رفقا، هواداران، نیروهای مترقی و انقلابی!

در این لحظات حساس بیش از پیش
ایجاد عظیم وظایف انقلابی ما روشن
میکردد.
۱- باید با تمامی نیروها و رهای انقلابی
- آمان را به درون تظاهرات، اعتراضات
و مبارزات توده ها ببریم. در تظاهرات،
در حرکات خیابانی و در هر کجا که توده ها
به اعتراضی و مبارزه مشغولند قسماً لانس
شرکت کنید، توده ها را سازمان بدهید و
با سردن شعارهای انقلابی به میدان
آنان مبارزاتشان را سمت و سود دهید.
اینک توده ها نوک تیز حملات خود را بسه

بقیه در صفحه ۱۸

- های سرکوبگرانه حزب در مقابل آن
موضع گرفته و به شیوه های متفاوتی
به اعتراض پرداختند. در این میان
لیبرالها سعی دارند بر امواج ناراضی
توده ها سوار شده آبرو به ایزاردست خود
بدل سازند. حرکت لیبرالها با حرکت
بنی مدروارگانهای تحت اختیارش در
شکل حمایت از بنی مدرو "انقلاب
اسلامی" متبلور شد و حتی منجر به
تظاهرات خیابانی و همچنین اوگیری
بحث ها و درگیری ها گشت. اما با حرکت
مجا هدین خلق توده های وسیعتری -
(عمدتاً در اعتراض به سیاستهای ضد
خلق حزب و نه در حمایت از لیبرالها)
به میدان آمدند و تظاهرات و اعتراضات
ایجاد وسیعتری گرفت.

اما در این میان توده های وسیعی
نیز موضع نظاره گر را ایفا میکنند. این
عده از طبقه های گوناگونی تشکیل -
میگردد. توده هایی که نسبت به هیچک
از دو جناح حاکمیت متوهم نیستند اما
به راه حل انقلابی مسائل نیز آگاهی
ندارند. توده هایی که از درک تغییرات
و تحولات سریع عاجزند، و همچنین فشار
محافظه کاری که در اثر فشار روزافزون
در مقابل حاکمیت قرار دارند اما
حاضر به انجام حرکات اعتراضی نیستند
از سوی دیگر حزب جمهوری اسلامی با
استفاده از نفوذ خمینی عقب مانده ترین
اقتدار توده ها را بخود جلب نمود. کسه
حضور این توده ها در مراسم ۱۵ خرداد و...
نشان دهنده سازماندهی توهمات مسردم
نسبت به آیت الله خمینی است. حزب
در عین برگزاری این نمایشات به سه
سرکوبی متمرکز و وحشیانه دست زد.
دسته جات حزب اللهی، پاسداران، کمیته
چی ها، بسیجی ها همه و همه در روزهای
آخر به وحشیانه ترین شکل در خیابانها
جولان میدهند. دست به ضرب و شتم و
دستگیری و حتی ترور میزنند و بدین طریق
سعی در اعمال سیاستهای حزب دارند.
نکته ای که بیشتر از همه در درگیریها و
راهبیمانی های اخیر جلب توجه مینماید.

رهبری طبقه کارگر سازمان پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران است



یورش گسترده حزب ...

بقیه از صفحه ۱۳

درستی بسوی حزب جمهوری اسلامی نشانه رفته اند. اما لیبرالها سعی دارند بر این موج سوار شوند. باید با طرح شعارهای انقلابی در عین تقویت وسای زمانه‌های مبارزات به افشا و منفرد کردن لیبرالها بپردازیم. اگر لیبرالها شعار "انقلاب اسلامی آزاد بیدگردد" را میدهند ما شعار "آزادی مطبوعات به همت توده‌ها تا مین بیدگردد" را به میان توده‌ها میبریم. در مقابل شعار "دردیست بنی صدر، سلام بر آزادی" شعار "آزادی سیاسی تا مین بیدگردد" شانسور، اختناق، شکنجه تا طرح شعارهای انقلابی چون "زندانی سیاسی آزاد بیدگردد، شکنجه و اختناق نابود بیدگردد" "انقلاب، انقلاب هنوز ادامه دارد، چوب چماق شکنجه دیگر اثر ندارد" "ترور شکنجه، زندان، حربه غارتگران، آزادی سیاسی شورای انقلابی، شعار زحمتکشان و ..."

بساط طرح شعارهای انقلابی مبارزات توده‌ها را ارتقا داده در عین زیر ضرب گرفتن رژیم و حزب جمهوری اسلامی، لیبرالها را افشاء کنیم. مسلمانان اجزای این رهنمود بشکلی گروهی و در دستجات منسجم چند نفره به بهترین شکل میسر است. باید شعارها را با بدقت در رابطه با محل وجود کم بر تظاهرات انتخاب نمود تا بیشترین تاثیر را داشته باشد.

۲- با تشدید فعالیت‌های تبلیغی به پیشوا مبارزات او جگیرنده توده‌ها بشتابیم.

رفقا!

اینک در لحظات حساسی بسر می‌بریم. تنها با حضور فعال در صحنه مبارزاتی توده‌ها میتوان از به هر زرفتن انرژی انقلابی خلق و از به انحراف کشیده شدن مبارزات توده‌ها جلوگیری نمود. و این ممکن نیست مگر با تشدید فعالیت‌های تبلیغی. اینک تبلیغ شفا هی نقشی عمده یافته است. تبلیغ شفا هی قادر است تمامی توده‌ها با هر سطح آگاهی را مورد خطاب قرار دهد. باید در هر کانون مردمی در هر کجا که توده‌ها حضور دارند، در تاکسی، اتوبوس، صف گوشت و نان، پهای شیرآب، داخل مغازه، سرگذرو در هر کجا که توده‌ها هستند به تبلیغ شعارهای انقلابی پرداخت ... در عین حال تمامی رفقا موظفند بشکلی فعال توزیع هر چه گسترده تر تراکت‌ها، اعلامیه‌های سازمانی و نشریه کار را در دستور کار خود قرار دهند.

رفقا! باید هر گونه سستی و رخسوت را بکناری نهاد و به استقبال مبارزات او جگیرنده توده‌ها شتافت. تنها حضور فعال، پیگیری وسای زمان یافته ما قادر است توده‌های هر چه وسیعتری را به میدان کشیده مبارزات خلق را سازمان داده و جلوی برقراری اختناق، خفقان، و سرکوب یکبار چ را سد نماید.

خبا بان منوچهری، فردوسی، انقلابیه میدان اما حسین، در پیچ شمیران، میدان ولی عصر، چهار راه مصدق، خبا بان مصدق، میدان - رضا کتیا و میدان انقلاب صورت گرفت. تظاهرات صورت خشن تری خود گرفته است. در پیچ شمیران تظاهرات کنندگان جلوسو موتور سوارهای حزب اللهی را گرفتند و چند موتور آنها را آتش زدند. در خبا بان - منوچهری یک بسز کمته را خرید کردند، نزدیک میدان فردوسی یک وانت متعلق به سپاه پاسداران، با با آتش تریه آتش کشیدند.

آنچه در حرکات یک هفته اخیر مشترک بوده و آتش خشم و نفرت مردم بجان آمده از سرکوب، اختناق، گران، فقر، بیکاری، آوارگی و جنگ را داد من میزده است. تیر - اندازی همیشگی و مداوم پاسداران و کمیته جی‌ها، وحشیگری و خشونت‌های وحیانه فالانزها بوده، تقریباً "هیچیک از تظاهرات چند روزی غیر بدون تیراندازی و مجروح شدن چندین نفر خا تمه نیافته است. اما علیرغم همه این جنایات، روحیه اعتراضی و مقاومت انقلابی مردم روبه اوج است و این یادآور ایستادگی آنها در برابر سرکوب رژیم گذشته است. چند بیمارستان - مملو از مجروحین حوادث اخیر است. در سردخانه ۲۲ جسد مجهول الهویه که در این درگیریها کشته شده اند، دیده شده است. نکته مشترک دیگر در تمام این تظاهرات، شعارها بود. شعارهای این هفته عمدتاً حول آزادی مطبوعات و آزادیهای دموکراتیک، آزادی زندانیان سیاسی، حکومت کردن - حزب جمهوری اسلامی و طرفداری از بنی صدر بوده است.

تظاهرات گسترده و ...

از صفحه ۱۹

خبا بانهای طرف دانشگاه تهران، فردوسی و سپیدخندان نیز درگیریها و تیراندازیها در تظاهرات سپیدخندان تعداد پاسداران آنچنان زیاده بود که صحنه‌ها را حکومت نظامی شاه را با طرح طرمی آورد تیراندازی چنان سنگین و مداوم که مردم خبا بانهای اطراف را به روی بام‌ها کشته بود. در این روز حرکت سازمان یافته حزب اللهیها، تحت حمایت پاسداران، کاملاً مشهود بود. تیروها و هوا را سازمان - مجاهدین خلق و مردمی که میخواهند از آزادیهای سیاسی دفاع کنند، در تظاهرات میدان ولی عصر مورد یورش وحشیانه حزب اللهیها قرار گرفتند. زنان پاسدار و حزب اللهی که بصورت زنان چادری عادی در بین جمعیت بودند، با شناسایی شرکت کنندگان در تظاهرات، بطرف آنها می‌رفتند و دستگیرشان می‌کردند. در این روز تعداد بازداشتیها بسیار زیاد بود. و آنها را با مینی بوس و اتوبوس به جایی که شایع بود ایستادگی آزادی ست میبردند. عموماً در دستگیریها حمایت مردم از فرد دستگیر شده همراه بود. در یک مورد مردم - اتوبوس حامل بازداشتیها را در راه - جمهوری متوقف کردند و با شکستن شیشه‌های آن، دختران را که دستگیر شده بودند آزاد کردند.

روزیکشنبه ۲۴ خرداد

تظاهرات مختلف و پراکنده در نقاطی از شهر مثل چهارراه استانبول



هدا اریه پرسنل شهربانی: در مقابل مبارزات توده‌ها قرار نگیرید!

اینک توده‌های مردم در مقابل سرکوبهای رژیم جمهوری اسلامی و سیاستهای ضد دموکراتیک و در زیر فشار فقر، گران، بیکاری و آوارگی بسیار خسته اند. روزی در مقابل این عمل نیروهای سرکوب خورا به میدان آورده است. و چشم دستگیری توده‌ها منقبولند. رژیم قصد دارد شهربانی را نیز جهت سرکوب مبارزات خلق یکبار گیرد و به همین خاطر در روزهای اخیر کارگزاران شهربانی را با تجهیزات کامل به خبا بانها آورده است.

پرسنل شهربانی!

فرماندهان مزدور شما در خدمت رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی قرار دارید و از منافع سرمایه داران و زمینداران حمایت میکنید. اما شما پرسنل شهربانی اکثر فرماندهان زحمتکشان، کارگران و دهقانان هستید. اینک که رژیم میخواهد شما را در مقابل توده‌ها قرار دهد و در پیش پای شما است. اگر فرماندهان مزدور شهربانی را اجرا کنید و در مقابل مبارزات خلق قرار نگیرید و به سرکوب آن بپردازید، خلق با شما چون مزدوری که به حمایت از رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی بسر خاسته رفتن را نخواهند کرد. کما فیست سر نوشت سنگین ما موران مزدوری که در دوران قیام به سینه خلق آتش کشیدند و با مبارزین و فرزندان دلیبر خلق را دستگیر کردند به طریقی ورید راه دیگری نیز وجود دارد. شما میخواهید در جهت مبارزات توده‌ها قرار نگیرید. از دستورات ضد خلقی فرماندهان خود سرپیچی کنید. از تللیک بسوی توده‌ها و از قرار گرفتن در مقابل آنان سرپیچید. کلوله، تنگنایسی را که از دسترنج این مردم خریداری شده است و با بد برای دفاع از منافع آنها به کار رود به سوی زحمتکشان و مبارزان تللیک نکنید و رژیم را با سرپیچی از فرمان سرکوب خلق متامل کنید.

پرسنل شهربانی!

با ایجاد تشکلهای انقلابی، با برقراری ارتباطات مخفی، بصورتی یکبار چ در مقابل فرماندهان مزدور و فرماندهین ضد خلقی شان ایستادگی کنید.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

نظا هرات گسترده و خشونت بار در تهران

شنبه ۱۷ خرداد

حزب جمهوری اسلامی استک تفرض -
خود را سواستکس کامل قدرت و به
ریز کردن بسی صد روبرو در مجموع لیسرا لیا از
کلنه ست های اجراضی بطور گسترده ای
آغاز کرده است . بیش از یک هفته است که
تهران شاهد تظاهرات و درگیریهای
شدیدی بوده است . خوشبختی در آن قیام
را بسیار می آورد و موج اعتراضات مردم به
سرکوب و اختناق که پیش رومی بینند ،
حرکات وسیع توده ای را در چشم انداز محم
می کند . این حرکات اعتراضی و تظاهرات
در بسیاری از شهرستانها نیز جریان داشته
است که گزارشات آنها را در شماره های
آسده منعکس خواهیم کرد .

• روز یکشنبه ۱۷ خرداد

حکم توقیف شش روزنامه اعلام شد . این
روز سراسر با حرکات اعتراضی ، تظاهرات ،
درگیریها ، دستگیریها و یورش همسای
وحشیانه ، فالانژها و یاساران بود .
از صبح دوشنبه در بازار ، توپخانه ،
خیابانهای حافظ ، مطهری ، ممدق ، انقلاب ،
فردوسی ، شریعتی ، شهدا ، امام حسین ،
مرشوی (مخصوص) ، نارنگ و شهرری مردمی
که آزادیهای بدست آمده در قیام را در معرض
تا نبودن کامل می دیدند ، شروع به حرکت
کردند . چرا که همیشه و در هر رژیمی اختناق
و سرکوبها یخونین و شدید با محدود کردن
آزادی مطبوعات و توقیف روزنامه ها
شروع میشود . در این روز ساعت یازده و نیم
سرحد و دوهزار نفر به منظور اعتراض به
سرکوبی آزادیها سیاسی و مبارزه علیه
اختناق از حدود دیا را به طرف خیابان
مطهری حرکت کردند . در این مسیر مردم
بشم آمدند ، به راه هیسایان می پیوستند
و شعار میدادند : تکوین بر حزب آ -
را همیشه شکر ایگرا این روز ، زمیندان امام
خمینی (سپهنا بن) بطرف میدان شهدا بود .
جلودانشگاه و خیابانهای اطراف
درگیریهای روی داد .

شعارها شکر ایگرا این روز از طرف مردم
داده میشدند : " حول آزادیها یدمکراتیک
بود نظیر ، زندانی سیاسی آزادیگردد
صدا و سیما یما از انحصار حزبی آزاد باید
کرده " ویا " لحظه به لحظه کوشیم ، زیر شکنجه
کوشیم ، با مرگ یا آزادی " .

• روز سه شنبه

تظاهرات در میدان انقلاب ، میدان
راه آهن ، خیابان جمهوری و چند نقطه دیگر
در اعتراض به اختناق صورت گرفت .

• روز چهارشنبه

در این روز درگیریهای شدیدی رخ داد
در میدان سپه جوانی با شلیک گلوله
با ساران سرمایه زمین افتاد ، کاسه
سرجوان دوشم شده و مغز و بیرون می
فتد . صحنه روزهای قیام تکرار شده مردمی
که شاهد این ماجرا بودند ، با خشم و نفرت
شوق العباد دست خود را به خون شهید
که جوانی حدود ۲۵ ساله بود آغشته می
کردند و آتشی را به ماشین های عبوری پاشیدند
لیاس و صورت خود می مالیدند و فریاد
میزدند : این ستمچانیت بهشتی است
صحنه دلخراش مرگ این جوان ، همه را
تحت تاثیر قرار داده بود . مردم
با ساران اجازه نمیدادند به جسد نزدیک
شده و آتشی خود میزدند و سه با ریا ساران



را و اداریه عقب نشینی کردند .
در این روز درگیری زیر پیل سید
خندان بین طرفداران آزادی و حزب
اللهیها ، دونفر که یکی از آنها کارمند
مخابرات بوده ، با گلوله پا ساران شهید
میشوند . در خیابان انقلاب نیز تظاهرات
صورت گرفت و فالانژها که بنا بر اسلام و
مذهب و اخلاق از هیچ بی شرمی و وقتا حسی
ایا ندارند ، زنی را که بیخ بستی صدر شمار
میداد ، مورد حمله قرار دادند و پس از
ضرب و جرح و یار کرده کردن لباسهایش ، او را
نیمه عریان رها کردند .

• روز پنجشنبه

جورعب و وحشت ناشی از حرکت
فالانژها بر شهر سایه انداخته بود . در
این روز درگیری بین مردم و حزب اللهی
ها در میدان ولی عصر و سه راه قاطمی ، ممدق
شدیدتر از مناطق دیگر بود . در این روز
در خیابان های با لاشرا جمهوری نوحی
حکومت نظامی برقرار بود ، اتومبیل های
مسلح کیمیت و با ساران در نقاط مختلف
مستقر بودند و فالانژها که ملا ساران یافته
و با برتا مه و درگیر و ههای ۲۰۰ - ۳۰۰

• روز جمعه

اعتراضات همچنان نمودهای بارز
و مشخص دارد . در شهرستانها موج حرکت
اعتراضی با لاسیکرد ، در شیراز ، کردکوی ،
امقان و ... در کویپا ئی بین حزب
اللهیها و مردم خواهان آزادی روی می دهد .
جمعه شت فالانژها به کاخ رئیس جمهور
حمله می کنند و سدا زمدنی در کسری ،
پا ساران کاخرا تحت محاصره در می آورند

• روز شنبه ۲۳ خرداد

میدان ولی عصر و خیابان ممدق از
حدود ساعت چهار رتا هشت بعد از ظهر تا هشت
تظاهرات گسترده و وسیعی بود . هزاران
نفر در این تظاهرات شرکت داشتند . سه
موتور فالانژها و کیمیت جی ها توسط مردم
به آتش کشیده شد . بخش خیرمها صره کاخ
رئیس جمهور را منته تظاهرات گسترده تر
و قریب ده های اعتراضی را بلند شر کرده بود .
در خیابان های غرب تهران مثل سلسبیل



۲۹ خرداد ۱۳۶۰، روز خلع ید از امپریالیسم انگلستان

خلقهای ایران انجام گرفت، نوطنه‌های امپریالیستهای انگلیسی و آمریکا برای جلوگیری از اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت شروع شد. در نیمه فروردین - سال ۳۰ مبارزه‌ای که بین امپریالیستهای انگلیسی و آمریکا شد برای غارت نفت ما در جریان بود، در کنفرانسی که در واشنگتن تشکیل شد، به ما زنی نسی انجام میداد. بیانیتهای کنفرانس برای جلوگیری از اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت در ۲۸ اردیبهشت ۴۰ دکتر مصدق برای تسلیم شدن بنظرات مشترک دو امپریالیسم آمریکا را مورد تهدید قرار میدهد. پس تهدیدات در تذکاریه‌های جداگانه جورجیل نخست وزیر وقت انگلستان و ترومن رئیس جمهور ایالات متحده به ترتیب در تاریخ - های ۲۸ اردیبهشت و ۱۰ خرداد ذکر ارمیگرد. در پی اخطار ۱۲ خرداد ایران به شرکت نفت انگلیس، هیئت انگلیسی تحت سرپرستی جاکسون در ۲۱ خرداد ایران می‌آید. سفیر انگلیس در ملاقاتی که با محمدرضا شاه خائن انجام میدهد از او میخواهد که از توضیح قانون ۹۴ ماده‌ای طرز اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت (قانون طع ید خود را بگوید).

دکتر مصدق رهبر جنبش ملی شدن صنعت نفت در ساعت ۱۰ شب ۲۹ خرداد ۴۰ طی بیانیتهای شکست مذاکرات هیئت انگلیسی و فرمان اجرای بیژنانه طع ید را اعلام می‌کند. در پی صدور این بیانیتهای طع ید انجام میگردد. هیئت با تصرف کلیه موسسات و اداراتی‌های وابسته به شرکت نفت انگلیس تسلط خود را بر ایرانشکاه آبادان و تاسیسات برقرار میکند. کارشناسان و با بهترین کوششها سوختها را انگلیسی، ایران را ترک میکنند. شیر نفت پس از سه سال بر روی تاسیسات نفتی غرب بسته میشود. اهمیت این حماسه تاریخی و فستی دو جندان میشود که بدینیم امپریالیسم انگلستان برای جلوگیری از تحقق عمل خلع ید صفا آراشی و کسان رزمی خود را در آنجا می‌کشد. (قانون طع ید خود را بگوید).

۲۹ خرداد سال ۱۳۶۰ روزی است که خلق بیباک ما از شرکت نفت انگلیس (بریتیش پترولیوم) که عامل نفوذ سلطه امپریالیسم انگلستان در ایران بود خلع ید کرد. این شرکت مدت ۵۰ سال ثروت ملی و نیروی کار خلقهای ما را با غارت برده و از نظر سیاسی هم دولتی در داخل دولت ایران تشکیل داده بود. بدینمال تصویب قانون ملی شدن صنعت نفت در ۲۹ اسفند در مجلسین ایران که تحت فشار جنبش توده‌های بیباک ما -

تحت فشار جنبش توده‌های بیباک ما -

باز هم ترور یک انقلابی در زندان جمهوری اسلامی

رژیم ضد انقلابی جمهوری اسلامی، بار دیگر یکی از فرزندان خلق را به شهادت رساند. دیوبند دیگری بر کارنامه سیاه و خبیثت با خود افزود. رفیق اسماعیل هادیان عضو چریکهای فدائی خلق (که در تاریخ سیزدهم خرداد در ساویر ریور شش ماه به خانه‌اش توسط پاسداران دستگیر شده بود، پس از سه روز تحمل شکنجه‌های وحشیانه به زندان رژیم، در حالیکه پیش از این توسط سازمانده بودند، دستها و پاهاش شکسته شده بود به شهادت رسید. رفیق اسماعیل هادیان در رژیم قبیل سیزده سال در زندان بود و شکنجه‌های آریا مهری را نیز تحمل کرده بود. این جنایت جدید جمهوری اسلامی که با آذوقه و ترور رفقا، بیژن جزئی و یارانش در زندان شاه و ترور سومو چو همزمانش و نیز ترور رفیق کارگرها نگیر قلعه میانه و آب در زندانهای جمهوری اسلامی است، نشان دهنده وحشت رژیم از رشد مبارزات انقلابی توده‌ها و انقلابیون جان برکف است که در راه تحقق آرمانهای انقلابی خلق و طبقه کارگر ارشادگان خود نیز دریغ ندارند. ماضی محکوم کردن این عمل ضد انقلابی رژیم، از همه سازمانها و نیروهای انقلابی و مترقی می‌خواهیم که با افشای این جنایات هر روزه جمهوری اسلامی، ما هیئت ضد انقلابی رژیم را بیش از پیش در پستگاه توده‌ها افشاء کنند. در پی این جنایت، هواداران سازمان در سابل، اعلامیه‌ای منتشر کرده اند و ضمن شرح احوال و افشای سیاستهای رژیم، نوشته اند: مردم مبارز سابل!

با اندام مبارزات خویش علیه سیاستهای سرکوشانه رژیم با حمایت فعال خویش از نیروهای انقلابی، اسامی اقدام و حشاه رژیم را محکوم می‌نمایم.

رژیم جمهوری اسلامی، آب را بروی زحمتکشان می‌بندد

محلله‌ها طراوت داد. یکی از فاسدترین محلات کرمانشاه است. اهالی این محل از جدا قلم امکانات رفاهی ما سدا سوری آسالت و بهداشت محرومند. جمعی بیس فرا رکاها ریشناستن شرهای عمومی آب در این محله، مدت حمد و روا بسن امکان تا حوررا هم از مردم آس محلی کرف بدنه در صفحه ۴

خبرهایی از جنبش مقاومت خلق کرد

انتشار دومین شماره خبرنامه سازمان در بوکان

دومین شماره (خبرنامه) سازمان در بوکان در تاریخ ۱۱/۳/۶۰ منتشر شد. در این شماره، دو مطلب در رابطه با درگیریهای حزب دموکرات و کومله - نقل از کار و اعلامیه‌ها که در دستا ن، درج شده است و چند خبر و تحلیل کوتاه، از جمله مطلبی درباره اوضاع آشنویه تحت عنوان "در آشنویه چه می‌گذرد"، در این مطلب رفقا نوشته اند: از نظر اقتصا دی این قسمت نیز مانند سایر مناطق کردنشین دو محاصره - بوده و مردم علاوه بر محاصره اقتصا دی ز نظر فرهنگی و نبود امکانات رفاهی هم تنگدستی برق، آرزاق عمومی و غیره ... در مضیقه و تنگنا قرار داده اند، به ویژه در رابطه با مواد سوختی فشاری مردم زیاده بوده و به خاطر نبود سوخت قسمت زیادی از کارهای کتا و رزی متوقف مانده است و بیشتر خوشنشینان روستایی و بخشی از مردم شهر مهاجرت نموده و برای کار به گوره پراخته - های همدا ن و دیگر مناطق رفته اند. بیس توجه به وضعیت عمومی مردم و فشار بیش از حدی که متحمل میشوند امدان بیشتر به جنبش مقاومت و پیشمرگان قهرمان می‌باشد. لذا درگیری بین حزب دموکرات و کومله انعکاس نامطلوبی روی روحیه مردم داشته و مورد مخالفت آنان قرار گرفته است. در این رابطه حزب نهسای خبیثت پیغمه ما ننند (توده‌ها) بیبا، اکثریتیهای راست و کنگره چهار میها (علیرغم اینکه اکثر "ایزوله شده و بین مردم منفور - هستند با استفا ده ا ز وضع ایجاد شده، شروع به سمپاشی بی بین مردم بر علیه جنبش مقاومت نموده اند. از جمله با پخش اعلامیه و فروروش سنگین نامه‌هایشان به اتحاد عمل نامقدس دست بازیده اند.

حادثه زلزله گلباف کرمان هزاران زحمتکش میهنمان را بخاک و خون کشید.

بار دیگر در کوههای آز میهمان یعنی در کلبا کرمان هزاران نفر از زحمتکش سوس بوده‌های مردم بدلسل سودا مکانات انسانی و رفاهی را حمله‌ها سه‌ها که قدرت مقاومت در مقابل حسن حوادثی را دارا بدنه در صفحه ۳

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر